



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir



کتاب اسلام ایران کشور جمهوری

جمعی از مؤلفان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

منشور جمهوری اسلامی ایران

نویسنده:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر چاپی:

جامعه المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۴	منشور جمهوری اسلامی ایران
۱۴	مشخصات کتاب
۱۴	اشاره
۱۸	مقدمه
۲۰	فهرست
۳۴	پیش گفتار
۳۶	مقدمه
۳۸	بخش اول: بنیان های فکری
۳۸	اشاره
۴۰	مبانی معرفت شناسی
۴۰	نظریه شناخت
۴۱	ابزارها و منابع شناخت
۴۱	نظریه مطابقت و بداهت
۴۲	مبانی هستی شناسی
۴۴	مبانی اعتقادی
۴۴	نیاز بشر به دین الهی
۴۴	توحید و مراتب آن
۴۴	۱- اعتقاد به وجود خدای یگانه
۴۵	۲- توحید در ربوبیت و ولایت
۴۵	۳- توحید در اطاعت و عبادت
۴۶	صفات و افعال الهی
۴۶	اشاره
۴۶	۱- حیات الهی

- ۴۶ ۲- علم الہی
- ۴۶ ۳- قدرت الہی
- ۴۶ ۴- نظارت الہی
- ۴۷ ۵- تکلم الہی
- ۴۷ ۶- حکمت الہی
- ۴۷ ۷- رزاقیت الہی
- ۴۷ ۸- عدل الہی
- ۴۷ ۹- قضا و قدر الہی
- ۴۸ ۱۰- ہدایت الہی
- ۴۸ ۱۱- تکلیف الہی
- ۴۸ ۱۲- بعثت پیامبران الہی
- ۴۸ اشارہ
- ۴۹ الف) دریافت وحی
- ۴۹ ب) عصمت
- ۴۹ ج) علم لدنی
- ۴۹ د) معجزہ
- ۵۰ حقانیت اسلام
- ۵۰ قرآن و سنت نبوی
- ۵۰ ۱- قرآن
- ۵۰ ۲- سنت نبوی
- ۵۱ خاتمیت و جہانی بودن اسلام
- ۵۱ امامت پیشوایان معصوم علیہم السلام
- ۵۱ ۱- ضرورت امامت
- ۵۱ ۲- امامت پیشوایان دوازده گانہ
- ۵۲ مہدویت و انتظار فرج
- ۵۲ ۱- اعتقاد بہ مہدویت

۵۲	۲- انتظار فرج
۵۳	۳- حکومت جهانی حضرت مهدی
۵۳	جامعیت اسلام
۵۴	مرگ، معاد، و قیامت
۵۶	مبانی منطقی معرفت دینی
۵۶	عقلانیت معرفت اسلامی
۵۶	زبان اسلام
۵۶	روش فهم اسلام
۵۷	تحول معرفت اسلامی
۵۷	نگرش اندام وارہ به اسلام
۵۸	اجتهاد و مقتضیات زمان
۵۸	نگرش تاریخی و تجربی
۶۰	مبانی انسان شناسی
۶۰	فقر وجودی انسان
۶۰	جنبه های وجودی انسان
۶۱	فطرت ملکوتی
۶۱	نیازهای انسانی
۶۲	کرامت انسانی و خلافت الهی
۶۲	هدف آفرینش انسان
۶۳	اختیار و آزادی انسان
۶۳	مسئولیت و تربیت پذیری انسان
۶۳	انسان و تکالیف الهی
۶۴	انسان اجتماعی در اسلام
۶۵	انسان دینی و دانش و فناوری
۶۶	مبانی ارزش شناسی
۶۶	اشاره

۶۷	تمایز میان واقعیت و حقیقت
۶۷	ذاتی و عقلانی بودن ارزش های اخلاقی
۶۷	مطلق و جاودانه بودن ارزش های اخلاقی
۶۷	توحید، مبنای ارزش های اسلامی
۶۸	حاکمیت و ارزش های معنوی
۶۸	عقلانیت معطوف به عمل
۶۸	ویژگی های ارزش های اسلام
۶۸	۱- انسانی بودن
۶۸	۲- عادلانه و حکیمانه بودن
۶۹	۳- انطباق با شریعت اسلامی
۶۹	۴- قابلیت تبیین عقلانی
۶۹	۵- هماهنگی و انسجام درونی
۶۹	۶- وسعت و گستردگی
۶۹	۷- اختیاری بودن
۶۹	۸- مطلوب بودن
۷۰	۹- قابلیت بهره مندی همگانی
۷۰	۱۰- مسئولیت آوری
۷۰	۱۱- انسان سازی
۷۰	۱۲- پاسداری از هویت فرهنگی
۷۲	مبانی نظام اجتماعی
۷۲	فطرت الهی و زندگی اجتماعی
۷۲	سنت های الهی و حاکمیت
۷۳	تأثیر عوامل معنوی در نظام اجتماعی
۷۳	رابطه فرد و جامعه
۷۴	ریشه تغییرهای اجتماعی
۷۴	حیات طیبه در جامعه اسلامی

۷۴	وحدت جامعه و کثرت مراتب اجتماعی
۷۴	ضرورت برپایی حکومت اسلامی
۷۵	مشروعیت الهی حکومت
۷۵	نقش محوری فرهنگ اسلامی در جامعه
۷۶	فراوانی منابع معیشت انسان
۷۶	مالکیت اعتباری انسان
۷۷	آزادی اجتماعی
۷۸	بخش دوم: ساختار و ارکان جمهوری اسلامی
۷۸	اشاره
۸۰	رهبری و حاکمیت فقیه جامع شرایط
۸۰	اشاره
۸۱	خبرگان رهبری
۸۱	مجمع تشخیص مصلحت نظام
۸۲	قوه مقننه
۸۲	۱- مجلس شورای اسلامی
۸۳	۲- شورای نگهبان قانون اساسی
۸۳	قوه مجریه
۸۳	رئیس جمهور
۸۴	قوه قضاییه
۸۶	بخش سوم: اهداف و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران
۸۶	اشاره
۸۸	تعلیم و تربیت
۸۸	اهداف
۸۹	راهبردها
۸۹	۱- تربیت توحیدی
۹۰	۲- فضاسازی معنوی

- ۳- تربیت پیشگیرانه ۹۰
- ۴- تأکید بر تعلیم و تربیت در کودکی ۹۱
- ۵- مشارکت همگانی ۹۱
- ۶- تأکید بر نقش تربیتی خانواده ۹۱
- ۷- استفاده از ظرفیت های تربیتی نهادهای دینی ۹۲
- ۸- افزایش خودباوری و تقویت هویت اسلامی - ایرانی ۹۲
- ۹- ترویج و تقویت فرهنگ خلاقیت و نوآوری ۹۳
- دانش و فناوری ۹۴
- اشاره ۹۴
- اهداف ۹۵
- راهبردها ۹۵
- ۱- ارائه نظریه های اسلامی ۹۵
- ۲- بهره گیری از میراث علمی ۹۵
- ۳- ایجاد فضای علمی سالم ۹۶
- ۴- حمایت از نخبگان و نوآوران ۹۶
- ۵- تعامل پویا با مراکز علمی جهان ۹۶
- ۶- هماهنگی علم و فناوری با نیازهای جامعه و تجاری سازی آن ۹۷
- فرهنگی - اجتماعی ۹۸
- اهداف ۹۸
- راهبردها ۹۸
- ۱- توحید محوری در جامعه اسلامی ۹۸
- ۲- عدالت خواهی، ظلم ستیزی و استقلال طلبی ۹۸
- ۳- اخلاق مداری در روابط اجتماعی ۹۹
- ۴- جامعه پذیری بر پایه باورها و ارزش های اسلامی ۹۹
- ۵- پیرایش پیوسته فرهنگ دینی ۱۰۰
- ۶- ترویج امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۰

- ۷- جریان سازی فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی ۱۰۰
- ۸- استوارسازی نهاد خانواده ۱۰۱
- ۹- تقویت جایگاه زن و نقش مادری ۱۰۱
- ۱۰- توجه ویژه به جوانان در امور اجتماعی ۱۰۲
- ۱۱- تأکید بر نقش مساجد ۱۰۲
- ۱۲- استفاده مؤثر از رسانه در تبلیغ فرهنگ اسلامی ۱۰۳
- ۱۳- وحدت و همبستگی اجتماعی بر محور دین ۱۰۳
- ۱۴- پیشگیری از آسیب های اجتماعی و حمایت از آسیب دیدگان ۱۰۴
- ۱۵- ارتقای بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه ۱۰۴
- حقوقی - قضایی ۱۰۶
- اشاره ۱۰۶
- اهداف ۱۰۶
- راهبردها ۱۰۷
- ۱- انطباق نظام حقوقی با شریعت اسلام ۱۰۷
- ۲- نظارت و کنترل ولی فقیه ۱۰۷
- ۳- نظارت و مشارکت همگانی ۱۰۸
- ۴- حفظ کرامت انسان ۱۰۸
- ۵- پاسداری از آزادی های مشروع ۱۰۸
- ۶- احترام به ادیان توحیدی و آزادی عقیده و رفتار مذهبی ۱۰۹
- ۷- پالایش و شفاف سازی قوانین ۱۰۹
- ۸- رویکرد اخلاقی، تربیتی و پیشگیرانه ۱۰۹
- ۹- به کارگرفتن قضات عادل و مجتهد ۱۱۰
- اقتصادی ۱۱۲
- اهداف ۱۱۲
- اشاره ۱۱۲
- ۱- پیشرفت و تعالی ۱۱۲

- ۱۱۳ - استقلال اقتصادی ۲- استقلال اقتصادی
- ۱۱۳ - عدالت اقتصادی ۳- عدالت اقتصادی
- ۱۱۳ - راهبردها راهبردها
- ۱۱۳ - پذیرش انواع مالکیت ۱- پذیرش انواع مالکیت
- ۱۱۴ - تشویق به تولید و سرمایه گذاری ۲- تشویق به تولید و سرمایه گذاری
- ۱۱۴ - تولید دانش و فناوری و ارتقای سرمایه انسانی ۳- تولید دانش و فناوری و ارتقای سرمایه انسانی
- ۱۱۴ - فراهم آوردن زمینه اشتغال ۴- فراهم آوردن زمینه اشتغال
- ۱۱۵ - تقویت انگیزه های معنوی ۵- تقویت انگیزه های معنوی
- ۱۱۶ - تشویق اعتدال و صرفه جویی ۶- تشویق اعتدال و صرفه جویی
- ۱۱۶ - ترویج سنت های حسنه ۷- ترویج سنت های حسنه
- ۱۱۷ - برآوردن نیازهای اساسی ۸- برآوردن نیازهای اساسی
- ۱۱۷ - تأمین و تکافل اجتماعی ۹- تأمین و تکافل اجتماعی
- ۱۱۸ - توزیع متوازن درآمد و ثروت ۱۰- توزیع متوازن درآمد و ثروت
- ۱۱۸ - حذف ربا و تحول در نظام مالی ۱۱- حذف ربا و تحول در نظام مالی
- ۱۱۸ - تقویت بازار و کاستن از دخالت دولت ۱۲- تقویت بازار و کاستن از دخالت دولت
- ۱۲۰ - سیاسی - امنیتی سیاسی - امنیتی
- ۱۲۰ - اهداف اهداف
- ۱۲۰ - راهبردها راهبردها
- ۱۲۰ - حاکمیت ارزش های الهی و ژرف بخشی باورهای توحیدی ۱- حاکمیت ارزش های الهی و ژرف بخشی باورهای توحیدی
- ۱۲۱ - افزودن کارآمدی ۲- افزودن کارآمدی
- ۱۲۱ - شایسته سالاری و کارگزاری صالحان ۳- شایسته سالاری و کارگزاری صالحان
- ۱۲۱ - مشارکت پویا و بیشینه مردم ۴- مشارکت پویا و بیشینه مردم
- ۱۲۲ - تقویت نظام شورایی با حفظ اقتدار سیاسی ۵- تقویت نظام شورایی با حفظ اقتدار سیاسی
- ۱۲۲ - تقویت کارآیی جریان های سیاسی ۶- تقویت کارآیی جریان های سیاسی
- ۱۲۲ - ارتقای بصیرت سیاسی ۷- ارتقای بصیرت سیاسی
- ۱۲۲ - تحکیم وحدت مسلمانان ۸- تحکیم وحدت مسلمانان

- ۹- تبلیغ آموزه های اسلامی در گستره جهان ۱۲۳
- ۱۰- اتخاذ دیپلماسی فعال ۱۲۳
- ۱۱- حمایت از حرکت ها و جنبش های حق طلبانه ۱۲۴
- ۱۲- ارتقای توان دفاعی - امنیتی ۱۲۴
- ۱۳- گسترش نظم و امنیت عمومی ۱۲۴
- ۱۴- تقویت انسجام و همبستگی ملی و روحیه بسیجی ۱۲۵
- اداری - مدیریتی ۱۲۶
- اشاره ۱۲۶
- هدف ۱۲۶
- راهبردهای اساسی ۱۲۷
- ۱- رهبری رحمانی، مدیریت ولایی و هدایت گر جامعه اسلامی ۱۲۷
- ۲- آینده پردازی برای دستیابی به جامعه مهدوی ۱۲۷
- ۳- هدایت گری و توانمندسازی ۱۲۷
- ۴- مدیریت دانش بنیان و بهره وری از تجارب بشری ۱۲۸
- ۵- تکیه بر توانایی های داخلی با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس ۱۲۸
- ۶- پاسداری از کرامت و عزت جامعه و کارگزاران ۱۲۸
- ۷- مهرورزی، آسان گیری، و خدمت بی منت به مردم ۱۲۸
- ۸- پاسخگویی و شفافیت ۱۲۹
- ۹- شایسته سالاری ۱۲۹
- ۱۰- زمینه سازی برای مشارکت آگاهانه مردم ۱۳۰
- ۱۱- ترجیح مصالح و خشنودی همگانی و اهتمام به محرومان ۱۳۰
- ۱۲- نظارت و ارزیابی اصلاح گرانه ۱۳۰
- درباره مرکز ۱۳۱

عنوان و نام پدیدآور: منشور جمهوری اسلامی ایران [کتاب] / مولف جمعی از مولفان؛ تهیه و تدوین توسط پژوهشگاه بین المللی المصطفی با حمایت مالی موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

مشخصات نشر: قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، ۱۴۳۵ ق. = ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری: ۱۱۱ ص؛ ۱۴/۵×۲۱ س م.

فروست: معاونت پژوهش؛ ۹.

شابک: ۴۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۵-۷۴۰-۹

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

موضوع: ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸-

موضوع: ایران -- سیاست و حکومت -- ۱۳۵۸ -

موضوع: اسلام و دولت -- فلسفه

شناسه افزوده: پژوهشگاه بین المللی المصطفی (ص)

شناسه افزوده: موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

شناسه افزوده: جامعه المصطفی (ص) العالمیه. مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)

رده بندی کنگره: DSR1۵۷۰/۸م ۱۳۹۲

رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴

شماره کتابشناسی ملی: ۳۳۹۱۴۵۹

ص: ۱

اشاره

عنوان و نام پدیدآور: منشور جمهوری اسلامی ایران

مؤلف جمعی از نویسندگان [مرکز پژوهشی کاربردی اقتصادی اجتماعی قدر].

ص: ۲

منشور جمهوری اسلامی ایران

تهیه و تدوین توسط

پژوهشگاه بی‌نام‌ملی‌المصطفی‌صلی‌الله‌علیه‌و‌آله

با حمایت مالی

مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

ص: ۳

منشور جمهوری اسلامی ایران

مؤلف: جمعی از مؤلفان

چاپ اول: ۱۳۹۲ ش / ۱۴۳۵ ق

ناشر: مرکز بی نالمللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

شمارگان: ۱۰۰۰ قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال چاپ: طاها

همه حقوق برای ناشر محفوظ است.

قم، چهارراه شهدا، خیابان معلم غربی (حجتیه)، نبش کوچه ۱۸. تلفکس: ۰۲۵ ۳۷۸۳۹۳۰۵ ۹

قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه. تلفن: ۰۲۵ ۳۲۱۳۳۱۰۶ فکس: ۰۲۵ ۳۲۱۳۳۱۴۶

تهران، خیابان انقلاب، بین خیابان وصال شیرازی و قدس، نبش کوچه اسکو، پلاک ۱۰۰۳. تلفن: ۰۲۱ ۶۶۹۷۸۹۲۰

مشهد، خیابان امام رضا علیه السلام: خیابان دانش شرقی، بین دانش ۱۵ و ۱۷. تلفن: ۰۵۱۱ ۸۵۴۳۰۵۹ علیه السلام

miup@pub.miu.uc.ir pub.miu.uc.ir

با سپاس از دست اندرکارانی که ما را در تولید این اثر یاری رساندند.

مدیر انتشارات: محمدسعید پناهی ناظر گرافیک: مسعود مهدوی صفحه آرایی: سید جاوید حسینی

معاونت تولید: تورج روحانی ناظر چاپ: نعمت الله یزدانی آماده ساز: سید جاوید حسینی

ناظر تولید: جعفر قاسمی ابهری ناظر فنی: محمدباقر شکری

ص: ۴

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و تشکیل نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، پرسش های فراوانی در مورد مبانی، ماهیت و خط مشی های اساسی حکومت دینی در ایران، میان اندیشمندان و سیاست مداران جهان پدید آمد.

از این رو بنابر پیشنهاد ریاست محترم جمهور جناب آقای دکتر احمدی نژاد (زید عزه)، برای پاسخگویی به این نیاز بین المللی، جامعه المصطفی العالمیه صلی الله علیه و آله مأمور به تهیه و تدوین کتابی در زمینه مبانی، ماهیت، اهداف و خطمشی های نظام جمهوری اسلامی ایران گردید.

اثر حاضر با همت جمع زیادی از نخبگان حوزه ای و با نظارت جناب مستطاب آقای دکتر پرویز داودی (زید عزه) بر اساس اسناد بالا دستی نظام و منابع اصلی دینی، تدوین شد که لازم است از موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی (حامی مالی)، ناظر و محققان محترم این اثر فاخر، کمال تقدیر، سپاس و تشکر خود را ابراز دارم.

معاونت پژوهش جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله العالمیه

مهدی رجائی

ص: ۵

پیش‌گفتار ۱۵

مقدمه ۱۷

بخش اول: بنیان‌های فکری

مبانی معرفت‌شناسی ۲۱

نظریه شناخت ۲۱

ابزارها و منابع شناخت ۲۲

نظریه مطابقت و بداهت ۲۲

مبانی هستی‌شناسی ۲۳

مبانی اعتقادی ۲۵

نیاز بشر به دین الهی ۲۵

توحید و مراتب آن ۲۵

۱. اعتقاد به وجود خدای یگانه ۲۵

۲. توحید در ربوبیت و ولایت ۲۶

۳. توحید در اطاعت و عبادت ۲۶

صفات و افعال الهی ۲۷

۱. حیات الهی ۲۷

۲. علم الهی ۲۷

ص: ۷

۳. قدرت الهی ۲۷

۴. نظارت الهی ۲۷

۵. تکلم الهی ۲۸

۶. حکمت الهی ۲۸

۷. رزاقیت الهی ۲۸

۸. عدل الهی ۲۸

۹. قضا و قدر الهی ۲۸

۱۰. هدایت الهی ۲۹

۱۱. تکلیف الهی ۲۹

۱۲. بعثت پیامبران الهی ۲۹

الف) دریافت وحی ۳۰

ب) عصمت ۳۰

ج) علم لدنی ۳۰

د) معجزه ۳۰

حقانیت اسلام ۳۱

قرآن و سنت نبوی ۳۱

۱. قرآن ۳۱

۲. سنت نبوی ۳۱

خاتمیت و جهانی بودن اسلام ۳۲

امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام ۳۲

۱. ضرورت امامت ۳۲

۲. امامت پیشوایان دوازده گانه ۳۲

مهدویت و انتظار فرج ۳۳

۱. اعتقاد به مهدویت ۳۳

۲. انتظار فرج ۳۳

۳. حکومت جهانی حضرت مهدی ۳۴

جامعیت اسلام ۳۴

مرگ، معاد، و قیامت ۳۵

مبانی منطقی معرفت دینی ۳۷

عقلانیت معرفت اسلامی ۳۷

ص: ۸

زیان اسلام ۳۷

روش فهم اسلام ۳۷

تحول معرفت اسلامی ۳۸

نگرش اندام واره به اسلام ۳۸

اجتهاد و مقتضیات زمان ۳۹

نگرش تاریخی و تجربی ۳۹

مبانی انسان شناسی ۴۱

فقر وجودی انسان ۴۱

جنبه های وجودی انسان ۴۱

فطرت ملکوتی ۴۲

نیازهای انسانی ۴۲

کرامت انسانی و خلافت الهی ۴۳

هدف آفرینش انسان ۴۳

اختیار و آزادی انسان ۴۴

مسئولیت و تربیت پذیری انسان ۴۴

انسان و تکالیف الهی ۴۴

انسان اجتماعی در اسلام ۴۵

انسان دینی و دانش و فناوری ۴۶

مبانی ارزش شناسی ۴۷

تمایز میان واقعیت و حقیقت ۴۸

ذاتی و عقلانی بودن ارزش های اخلاقی ۴۸

مطلق و جاودانه بودن ارزش های اخلاقی ۴۸

توحید، مبنای ارزش های اسلامی ۴۸

حاکمیت و ارزش های معنوی ۴۹

عقلانیت معطوف به عمل ۴۹

ویژگی های ارزش های اسلام ۴۹

۱. انسانی بودن ۴۹

۲. عادلانه و حکیمانه بودن ۴۹

۳. انطباق با شریعت اسلامی ۵۰

۴. قابلیت تبیین عقلانی ۵۰

ص: ۹

۵. هماهنگی و انسجام درونی ۵۰
۶. وسعت و گستردگی ۵۰
۷. اختیاری بودن ۵۰
۸. مطلوب بودن ۵۰
۹. قابلیت بهره مندی همگانی ۵۱
۱۰. مسئولیت آوری ۵۱
۱۱. انسان سازی ۵۱
۱۲. پاسداری از هویت فرهنگی ۵۱
- مبانی نظام اجتماعی ۵۳
- فطرت الهی و زندگی اجتماعی ۵۳
- سنت های الهی و حاکمیت ۵۳
- تأثیر عوامل معنوی در نظام اجتماعی ۵۴
- رابطه فرد و جامعه ۵۴
- ریشه تغییرهای اجتماعی ۵۵
- حیات طیبه در جامعه اسلامی ۵۵
- وحدت جامعه و کثرت مراتب اجتماعی ۵۵
- ضرورت برپایی حکومت اسلامی ۵۵
- مشروعیت الهی حکومت ۵۶
- نقش محوری فرهنگ اسلامی در جامعه ۵۶
- فراوانی منابع معیشت انسان ۵۷

مالکیت اعتباری انسان ۵۷

آزادی اجتماعی ۵۸

بخش دوم: ساختار و ارکان جمهوری اسلامی

رهبری و حاکمیت فقیه جامع شرایط ۶۱

خبرگان رهبری ۶۲

مجمع تشخیص مصلحت نظام ۶۲

قوه مقننه ۶۳

۱. مجلس شورای اسلامی ۶۳

۲. شورای نگهبان قانون اساسی ۶۴

قوه مجریه ۶۴

ص: ۱۰

رئیس جمهور ۶۴

قوه قضاییه ۶۵

بخش سوم: اهداف و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

تعلیم و تربیت ۶۹

اهداف ۶۹

راهبردها ۷۰

۱. تربیت توحیدی ۷۰

۲. فضا سازی معنوی ۷۱

۳. تربیت پیشگیرانه ۷۱

۴. تأکید بر تعلیم و تربیت در کودکی ۷۲

۵. مشارکت همگانی ۷۲

۶. تأکید بر نقش تربیتی خانواده ۷۲

۷. استفاده از ظرفیت های تربیتی نهادهای دینی ۷۳

۸. افزایش خودباوری و تقویت هویت اسلامی - ایرانی ۷۳

۹. ترویج و تقویت فرهنگ خلاقیت و نوآوری ۷۴

دانش و فناوری ۷۵

اهداف ۷۶

راهبردها ۷۶

۱. ارائه نظریه های اسلامی ۷۶

۲. بهره گیری از میراث علمی ۷۶

۳. ایجاد فضای علمی سالم ۷۷

۴. حمایت از نخبگان و نوآوران ۷۷

۵. تعامل پویا با مراکز علمی جهان ۷۷

۶. هماهنگی علم و فناوری با نیازهای جامعه و تجاری سازی آن ۷۸

فرهنگی - اجتماعی ۷۹

اهداف ۷۹

راهبردها ۷۹

۱. توحید محوری در جامعه اسلامی ۷۹

۲. عدالت خواهی، ظلم ستیزی و استقلال طلبی ۷۹

ص: ۱۱

۳. اخلاق مداری در روابط اجتماعی ۸۰
 ۴. جامعه پذیری بر پایه باورها و ارزش های اسلامی ۸۰
 ۵. پیرایش پیوسته فرهنگ دینی ۸۱
 ۶. ترویج امر به معروف و نهی از منکر ۸۱
 ۷. جریان سازی فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی ۸۱
 ۸. استوارسازی نهاد خانواده ۸۲
 ۹. تقویت جایگاه زن و نقش مادری ۸۲
 ۱۰. توجه ویژه به جوانان در امور اجتماعی ۸۳
 ۱۱. تأکید بر نقش مساجد ۸۳
 ۱۲. استفاده مؤثر از رسانه در تبلیغ فرهنگ اسلامی ۸۴
 ۱۳. وحدت و همبستگی اجتماعی بر محور دین ۸۴
 ۱۴. پیشگیری از آسیب های اجتماعی و حمایت از آسیب دیدگان ۸۵
 ۱۵. ارتقای بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه ۸۵
- حقوقی - قضایی ۸۷
- اهداف ۸۷
- راهبردها ۸۸
۱. انطباق نظام حقوقی با شریعت اسلام ۸۸
 ۲. نظارت و کنترل ولی فقیه ۸۸
 ۳. نظارت و مشارکت همگانی ۸۹
 ۴. حفظ کرامت انسان ۸۹

۵. پاسداری از آزادی های مشروع ۸۹

۶. احترام به ادیان توحیدی و آزادی عقیده و رفتار مذهبی ۹۰

۷. پالایش و شفاف سازی قوانین ۹۰

۸. رویکرد اخلاقی، تربیتی و پیشگیرانه ۹۰

۹. به کار گرفتن قضات عادل و مجتهد ۹۱

اقتصادی ۹۳

اهداف ۹۳

۱. پیشرفت و تعالی ۹۳

۲. استقلال اقتصادی ۹۴

۳. عدالت اقتصادی ۹۴

ص: ۱۲

راهبردها ۹۴

۱. پذیرش انواع مالکیت ۹۴
۲. تشویق به تولید و سرمایه گذاری ۹۵
۳. تولید دانش و فناوری و ارتقای سرمایه انسانی ۹۵
۴. فراهم آوردن زمینه اشتغال ۹۵
۵. تقویت انگیزه های معنوی ۹۶
۶. تشویق اعتدال و صرفه جویی ۹۷
۷. ترویج سنت های حسنه ۹۷
۸. برآوردن نیازهای اساسی ۹۸
۹. تأمین و تکافل اجتماعی ۹۸
۱۰. توزیع متوازن درآمد و ثروت ۹۹
۱۱. حذف ربا و تحول در نظام مالی ۹۹
۱۲. تقویت بازار و کاستن از دخالت دولت ۹۹

سیاسی - امنیتی ۱۰۱

اهداف ۱۰۱

راهبردها ۱۰۱

۱. حاکمیت ارزش های الهی و ژرف بخشی باورهای توحیدی ۱۰۱
۲. افزودن کارآمدی ۱۰۲
۳. شایسته سالاری و کارگزاری صالحان ۱۰۲
۴. مشارکت پویا و بیشینه مردم ۱۰۲

۵. تقویت نظام شورایی با حفظ اقتدار سیاسی ۱۰۳

۶. تقویت کارآیی جریان های سیاسی ۱۰۳

۷. ارتقای بصیرت سیاسی ۱۰۳

۸. تحکیم وحدت مسلمانان ۱۰۳

۹. تبلیغ آموزه های اسلامی در گستره جهان ۱۰۴

۱۰. اتخاذ دیپلماسی فعال ۱۰۴

۱۱. حمایت از حرکت ها و جنبش های حق طلبانه ۱۰۵

۱۲. ارتقای توان دفاعی - امنیتی ۱۰۵

۱۳. گسترش نظم و امنیت عمومی ۱۰۵

۱۴. تقویت انسجام و همبستگی ملی و روحیه بسیجی ۱۰۶

ص: ۱۳

۱. رهبری رحمانی، مدیریت ولایی و هدایت گر جامعه اسلامی ۱۰۸
۲. آینده پردازی برای دستیابی به جامعه مهدوی ۱۰۸
۳. هدایت گری و توانمندسازی ۱۰۸
۴. مدیریت دانش بنیان و بهره وری از تجارب بشری ۱۰۹
۵. تکیه بر توانایی های داخلی با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس ۱۰۹
۶. پاسداری از کرامت و عزت جامعه و کارگزاران ۱۰۹
۷. مهرورزی، آسان گیری، و خدمت بی منت به مردم ۱۰۹
۸. پاسخگویی و شفافیت ۱۱۰
۹. شایسته سالاری ۱۱۰
۱۰. زمینه سازی برای مشارکت آگاهانه مردم ۱۱۱
۱۱. ترجیح مصالح و خشنودی همگانی و اهتمام به محرومان ۱۱۱
۱۲. نظارت و ارزیابی اصلاح گرانه ۱۱۱

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، ملت مؤمن و فداکار ایران به رهبری امام خمینی رحمه الله، در همه پرسی دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ هجری شمسی با اکثریت ۹۸/۲ درصدی به «جمهوری اسلامی» رأی دادند. جمهوری اسلامی الگویی بدیع، جامع، زنده، پویا و برگرفته از قرآن کریم، روایات و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام است. این نظام، بر پایه ایمان به خدای یکتا، وحی الهی، معاد، عدل خداوند در تکوین و تشریح، امامت و استمرار آن با ولایت فقیه، استفاده از علوم و فنون و تجارب بشری و تلاش در پیشبرد آنها و نفی هرگونه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری بنا شده است.

دستاوردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در اداره جامعه، ایستادگی بر آرمان‌ها و اهداف و مقابله مستمر با انواع توطئه‌ها، کارآیی این الگو را بیش از پیش روشن ساخت. ویژگی‌های خاص این نظام و نوآوری‌های آن در عرصه اداره جامعه، معرفی آن را ضروری می‌سازد. به دلیل این ضرورت و زمینه‌سازی برای شناخت کسانی که در داخل یا خارج از کشور مایل به درک عمیق‌تر این نظام هستند، رئیس‌جمهور محترم جناب آقای «دکتر احمدی نژاد» دستور تدوین مجموعه‌ای جامع و در عین حال مختصر به عنوان «منشور

جمهوری اسلامی ایران» را صادر کردند؛ مجموعه ای که بتواند به صورت فشرده مبانی، ساختار، اهداف، مواضع و راهبردهای کلان این نظام را تبیین کند.

در راستای این مهم، کارگروه مشترکی از متخصصان علوم اسلامی و انسانی شکل گرفت. همچنین کمیته هایی با گرایشهای اقتصاد، جامعه شناسی، تعلیم و تربیت، حقوق، سیاست و مدیریت تشکیل گردید. هر کدام از کمیته ها یافته های خود را به طور منظم به صورت درون گروهی به بحث گذاشته و نتیجه را در کارگروه مشترک ارائه می کردند. محصول این مباحث در حدود هزار و پانصد صفحه تدوین شد. نسخه فشرده شده به عنوان نسخه پیشنهادی به منظور ملاحظه و داوری خدمت برخی از اساتید برجسته حوزه و دانشگاه ارائه گردید. دیدگاه های ارائه شده مورد ملاحظه قرار گرفت و سرانجام به شکل مجموعه پیش رو به چاپ رسید.

در پایان از اعضای محترم کارگروه مشترک (به ترتیب الفبا) آقایان: احمد رضا انصاری، نعمت اله پناهی بروجردی، عبدالحسین خسروپناه، محمد جمال خلیلیان اشکذری، محمود دهقانی، مصطفی دانش پژوه، سید محمد کاظم رجایی، حسن رضایی، احمد فرمد، سید محمد صادق موسوی نسب، محمد جواد محقق، محمد جواد نوروزی و حسن یوسف زاده که با جدیت و حوصله تمام، بر انجام کار اهتمام ورزیدند، تشکر و قدردانی می شود.

همچنین از آقایان حجه الاسلام و المسلمین اعرافی رئیس جامعه المصطفی العالمیه، حجه الاسلام و المسلمین مهدی رجایی نیا، رئیس پژوهشگاه بین المللی المصطفی و مرکز پژوهش کاربردی اقتصادی - اجتماعی قدر و دکتر محسن نجفی خواه، رئیس موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی که امکانات و زمینه های لازم برای انجام این اثر را فراهم ساختند صمیمانه قدردانی می کنم.

پرویز داودی

ص: ۱۶

انقلاب اسلامی ایران، مهم ترین پدیده قرن بیستم، و منشأ تحولات گسترده در تمامی عرصه های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جهان است. امام خمینی رحمه الله، بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران، الگوی حکومتی جدیدی را بر پایه مردم سالاری دینی با محوریت اصل متری ولایت فقیه به جهانیان معرفی کرد و موجب رشد روزافزون اسلام گرایی در سراسر جهان و آغازگر تحول اساسی در معادلات بین المللی گردید. امام خمینی رحمه الله با پیروی از پیشوایان معصوم علیهم السلام، حضور دین الهی را در همه عرصه های زندگی بشر به اثبات رساند و نشان داد که اسلام به عنوان آخرین دین الهی، مجموعه منسجمی است که بنیان های فکری و آموزه های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن نظام مند و هماهنگ است و برای تمامی رفتارهای فردی و اجتماعی انسان حکم دارد و بر اداره مطلوب جامعه قادر است.

الگویی که امام قدس سره آن را بنیان نهاد، بر پایه قوانین اسلام و مکتب اهل بیت بنا شده است. ملت بزرگ ایران، در طی زمان، ایمان عمیق خود را به اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت اثبات کرده اند. آنان از آغاز نهضت اسلامی تاکنون در اداره کشور و محافظت از آرمان های نظام

جمهوری اسلامی مشارکت فعال داشته اند. بیش از سه دهه دفاع مستمر از ارزش ها و استقلال نظام و هشت سال دفاع مقدس تابلویی از ایشار و از خودگذشتگی این ملت را به نمایش می گذارد. آبادانی و پیشرفت بر پایه عدالت، استقلال، عزت و سربلندی ایران اسلامی و معرفی الگوی جمهوری اسلامی به جهانیان، اهداف بزرگی بوده که ملت ایران برای خود ترسیم و از آغاز نهضت اسلامی تاکنون، آن را دنبال کرده است.

امروزه، انقلاب اسلامی ایران به گفتمان فکری و فرهنگی مطرح در جهان تبدیل شده و با رشد اسلام گرایی، بحثی جدی و اساسی میان تفکر اسلامی و غربی پدید آمده است. تفکر اسلامی، مبتنی بر اصولی هم چون توحید و خدامحوری، واقع گرایی، کرامت انسان، عقلانیت، جامعیت اسلام و معنویت گرایی و تفکر غربی بر پایه اصولی چون سکولاریسم، اومانیزم، لذت گرایی و لیبرالیسم استوار است. تفکر اسلامی در نظام جمهوری اسلامی ایران نمایان شده و به صورت واقعی از تفکر غربی و اسلام آمریکایی تمایز یافته است.

تقابل این دو تفکر و نوپا بودن جمهوری اسلامی، معرفی آن را به عنوان الگویی جامع، زنده و پویا به جهانیان امری ضروری می نماید. براین اساس، منشور جمهوری اسلامی ایران بر پایه قرآن کریم، روایات و سیره پیشوایان معصوم علیهم السلام، و استفاده از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کتب، مقالات و سخنان اندیشمندان بزرگ اسلامی به ویژه بنیان گذار جمهوری اسلامی، حضرت امام خمینی رحمه الله، و رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای (دامت برکاته)، تدوین شده است. این منشور در سه بخش بنیان های فکری، ساختار و ارکان جمهوری اسلامی و اهداف و راهبردها تنظیم شده است. «صلوات خدا و اولیای الهی به روان پاک بنیان گذار جمهوری اسلامی و شهدای والامقام آن»

بخش اول: بنیان های فکری

اشاره

ص: ۱۹

برقراری و استواری هر نظام اجتماعی، هم در گرو نظرداشت به اهداف، اصول راهبردی، قوانین، و برنامه ها است و هم نیازمند مبانی معرفت شناسی، اصول فهم هستی، پایه های اعتقادی، منطق معرفت دینی، مبانی انسان شناسی، بنیان های شناخت ارزش، و پایه های نظام اصیل اجتماعی. در نظام اجتماعی اسلام، ضرورت نظرداشت به این بنیان های فکری، بیش از هر نظام اجتماعی دیگر رخ می نماید؛ نخستین گام در شناخت مبانی، تأمین و تضمین توان انسان بر شناسایی واقعیت ها و ارزیابی معرفت هاست. گام های پسین از این قرارند: شناخت گستره هستی، فهم مبانی اعتقادی، درک اصول منطقی فهم، انسان شناسی، ارزش شناسی، و تبیین سازه های اجتماعی اسلام.

شناخت، حقیقتی است که انسان، آن را در وجود خویش می‌یابد و نخستین راه ارتباط او با خویشتن و پیرامون خود است. زندگی انسان، با همین آگاهی و شناخت از واقعیت‌ها آمیخته است. معرفت، نه امری مادی، که حقیقتی مجرد است. همه شناخت‌های انسان درخور اعتماد نیستند؛ اما با استفاده از ابزارها و منابع گوناگون معرفت، می‌توان به شناخت درخور اعتماد دست یافت. پس نباید پنداشت که اگر پاره‌ای از شناخت‌های انسان، راه به خطا می‌برند، باید آنها را یکسره در معرض تردید قرار داد یا معرفت‌های گوناگون و متعارض وابسته به افراد را نسبی و دارای ارزش یکسان تلقی کرد. برخی حقایق چون وجود خود را می‌توان بدون واسطه و با علم حضوری و شهودی درک کرد و علم به حقایق دیگر که از راه‌هایی مانند حس و عقل حاصل می‌شوند چنان که بر بديهيات استوار باشند غیر قابل تردید خواهند بود. بسیاری از معارف دینی نیز با استناد به وحی الهی بر پیامبر و عصمت او در تلقی و ابلاغ وحی، پشتوانه قابل اعتمادی می‌یابند.

همچنین اعتبار معرفت های غیر یقینی را نیز می توان بر پایه معرفت های یقینی دیگر تعیین کرد و بدین ترتیب نظام اجتماعی اسلام، بر پایه شناخت های قطعی، هماهنگ و کارآمد قابل شناخت است.

ابزارها و منابع شناخت

ابزارهای شناخت از این قرارند: حس، خیال، وهم، عقل ادراک گر، و جان تهذیب یافته. منابع معرفت نیز عبارت اند از: طبیعت، تاریخ، عقل استدلال گر، قلب و وحی الهی. رهاورد این دسته از ابزارها و منابع، شناخت های تجربی، عقلی، اشراقی و وحیانی است. اگر گاه شناخت های تجربی و عقلی، راه به خطا برند، با قلب و وحی، می توان از خطا رها و به راه درست رهنمون شد. طبیعت و تاریخ، نزدیک ترین منبع برای کسب معرفت از طریق حواس ظاهری است؛ اما عقل استدلال گر، قلب و وحی الهی، عالی ترین منابع برای دستیابی به معرفت های متعالی هستند.

نظریه مطابقت و بداهت

شناخت راستین و حقیقی، آن است که واقعیت را بی کم و کاست بنمایاند. تنها با معرفت های بدیهی می توان دریافت که کدام شناخت، راستین است و کدام یک، ناراست. راستی معرفت های نابديهی، مشروط به آن است که بر معرفت های بدیهی تکیه کنند و سرانجام به آنها برسند؛ البته همه شناخت های انسانی، خواه بدیهی و خواه نابديهی، بر نخستین اصل بدیهی، یعنی «محال بودن اجتماع نقیضین»، استوارند. برای دریافت همه معرفت های راستین و حقیقی باید از زمینه هایی همچون سلامت ابزارهای ادراک، و رفع مغالطات بهره گرفت. نیز پاره ای معرفت ها همچون طهارت باطن، و تقوا به زمینه های فراتر نیازمند هستند.

واقعیتی فراتر از ذهن و درک آدمی نیز وجود دارند که درخور شناختن و شناساندن هستند. وجود، حقیقتی واحد و اصیل و دارای مراتب گوناگون مادی و مجرد، متغیر و ثابت، علت و معلول، حادث و قدیم، و واجب و ممکن است. جهان ماده، جهان تغیر و حرکت است. این حرکت در عرض‌ها و جوهرهای جسمانی، با علت مجرد و ثابت ایجاد می‌شود. موجودهای مادی، از آن جا که همواره در حرکتی جوهری سیر می‌کنند، دارای حدود زمانی اند و به قدیم خودبسنده نیاز دارند. همه موجودهای مادی و مجرد، جز حق تعالی، ممکن الوجود هستند و در اصل وجود و نیز برای بقای خود، به واجب الوجود خودبسنده نیازمندند. تأثیرگذاری علت در معلول، و نیز نیازمندی معلول به علت، همواره به یک صورت نیست. علت، گونه‌های مختلف دارد؛ همچون حقیقی، اعدادی یا مادی، صوری، غایی و فاعلی. زنجیره همه علت‌های ممکن به واجب الوجود می‌انجامد و هر چه جز حق تعالی در این جهان وجود دارد، شأنی از شئون او و عین تعلق، فقر، و ربط به حقیقت او است.

نیاز بشر به دین الهی

دین الهی، مجموعه ای از گزاره های توصیفی، اعتقادی و ارزشی و نیز دستورهای هماهنگ با سرشت آدمی است که پیامبران از جانب خداوند برای هدایت انسان ها آورده اند. انسان از آن روی به ایمان دینی و هدایت الهی نیاز دارد که توش و توانش برای شناختن راه نیکبختی محدود است.

توحید و مراتب آن

۱- اعتقاد به وجود خدای یگانه

اعتقاد به خداوند یکتای دارای همه کمال های وجودی، اصل مشترک میان همه ادیان الهی است که می توان آن را به شیوه های گوناگون عقلی و وجدانی اثبات کرد. توحید، مهم ترین اصل اعتقادی اسلام را می توان چنین معنا کرد: اعتقاد به یگانگی خداوند در ذات، صفات، و افعال و نیز عمل کردن به مقتضای این اعتقاد. این باور نه تنها در قلمرو اندیشه، بلکه در ساحت رفتار فردی و اجتماعی انسان نقشی بی مانند دارد. خداوند در ذات

خود یگانه و یکتاست و هیچ همتایی در بیرون، و ترکیب و تکثیری در درون ندارد. پس صفاتش با ذاتش یکی است. جهان با همه نظام‌ها و سنت‌ها، علت‌ها و معلول‌ها، و سبب‌ها و مسبب‌هایش، کار خدا و زاینده اراده اوست. موجودهای جهان، نه در ذات و نه در تاثیر و علت، خودبسند نیستند و هر فاعل و سببی، هم وجود خویش و هم فاعلیت‌ش را از خداوند دارد. نظام اجتماعی اسلام بر مدار این باور توحیدی سامان می‌یابد.

۲- توحید در ربوبیت و ولایت

خداوند والا هم جهان هستی را آفریده و هم گردش آن را تدبیر کرده است و هیچ کس و هیچ چیز دیگری، به خودبسندگی، در این تدبیر نقشی ندارد. این همان معنای «ربوبیت تکوینی» است. از این رو، یگانه قانون گذار شایسته برای حیات انسان، هموست و کسی جز او را سزا نیست که به خودی خود، قانون بگذارد. این همان معنای «ربوبیت تشریحی» است. حاکمیت و ولایت، به معنای تسلط بر جان و مال انسان‌ها و اداره امور جامعه، تنها سزاوار خداوند والاست و حاکمیت دیگران فقط با اذن او اعتبار می‌یابد و این همان معنای «توحید در حاکمیت و ولایت» است.

۳- توحید در اطاعت و عبادت

مهم‌ترین بنیان زندگی انسان یکتاپرست، توحید در اطاعت و عبادت است؛ یعنی تنها فرمان‌های خدا را بپذیرد و همه کارهایش را فقط به انگیزه بندگی او انجام دهد و از بندگی هر کس و هر چیز جز او آزاد باشد. اطاعت از غیر خدا، تنها به اذن الهی مجاز است.

اشاره

ذات خداوند، حقیقتی بی کران است که آدمی به ژرفای آن راه ندارد و تنها می تواند آن را از رهگذر صفات جمال و جلالش بشناسد. صفات جمال خداوند، آنهایی است که کمال وجودش را نشان می دهد؛ و صفات جلالش آنهایی است که او برتر از وصف شدن به آنها است. مهم ترین صفات ذاتی و فعلی الهی، که بر نظام اجتماعی اسلام حاکم است، از این قرارند:

۱- حیات الهی

خداوند سبحان، واقعیتهای زنده، ازلی، و ابدی است و هیچ نیستی و زوالی در او راه ندارد.

۲- علم الهی

خداوند والا، دانای مطلق است و هم به ذات خویش و هم به آفریدگانش علم حضوری دارد. او از پیدا و پنهان همه آفریدگان و از نهان جان انسان ها آگاه است.

۳- قدرت الهی

خداوند، قادر مطلق است؛ یعنی بر همه کارهای ممکن توانا و همه قدرتها از آن اوست. همین که اراده کند تا کاری انجام گیرد، آن کار به انجام می رسد؛ و گرنه، هرگز انجام نخواهد پذیرفت.

۴- نظارت الهی

خداوند در سراسر نظام هستی حضور و بر آن نظارت دارد و مراقب اعمال فردی و اجتماعی انسان هاست.

۵- تکلم الهی

خداوند از راه های گوناگون، از جمله وحی، با آفریدگان ویژه اش سخن می گوید. گفتار او همواره راست و عین واقعیت است.

۶- حکمت الهی

خداوند از انجام دادن کارهای ناروا و بیهوده، پیراسته است. کار و آفرینش او در نهایت انسجام، اتقان، کمال، هدفمندی، و هماهنگی با نظام احسن است و همه مصلحت های راستین را در بر دارد.

۷- رزاقیت الهی

خداوند روزی آفریدگانش را حکیمانه تضمین و فراهم فرموده است.

۸- عدل الهی

انگیزه های ستم، یعنی جهل و عجز و نیاز، در خداوند راه ندارد. پس به هر موجود به اندازه قابلیت و استعدادش فیض می رساند؛ و این معنای «عدل تکوینی» است. نیز بر هر کس متناسب با ظرفیت و استعدادش بار تکلیف می نهد؛ و این معنای «عدل تشریحی» است. همچنین هر کس را به تناسب کارهایش، پاداش و کیفر می دهد؛ و این معنای «عدل جزایی» است.

۹- قضا و قدر الهی

قضا و قدر یا مشیت الهی در نظام هستی، بر این اساس است که واقعیت و اندازه هر موجودی با محاسبه دقیق، سنجیده و قانون مند، در چارچوب نظام علت و معلول تحقق یافته است. قضا و قدر الهی همه رفتارهای اختیاری و فعالیت های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی،

تربیتی، اخلاقی، و مدیریتی انسان را در بر دارد و با اختیار او ناسازگار نیست. پس رفتار اختیاری انسان، در طول اراده خداوند، و نه در عرض آن، جای دارد. عواملی همچون وراثت و تربیت و محیط، در گرایش انسان به خوبی ها و بدیها نقش دارند؛ اما اختیار او را از میان نمی برند و همگی در گستره مشیت الهی جای می گیرند.

۱۰- هدایت الهی

بر پایه قاعده «لطف»، خداوند پیامبران را برانگیخته است تا آدمیان را به راه راست رهنمون شوند. این هدایت، عام و فراگیرنده همه انسان هاست. خداوند به کسانی که این هدایت عام را بپذیرند و خود را در رهگذار نسیم حقیقت قرار دهند، از هدایت خاص خویش بهره می بخشد؛ و کسانی را که از هدایت عام روی برتابند، از هدایت خاص ناکام می کند و آنان را به گمراهه می برد.

۱۱- تکلیف الهی

فقط خداوند، که انسان و جهان را آفریده و به سراسر روح و جسم او بینا است، بهترین نقشه دستیابی وی به سلامت و سعادت جان و تن و نسخه شفا و کمال او را می شناسد. خدا این نسخه شفا و کمال را در قالب دین به انسان ارمغان فرموده است.

۱۲- بعثت پیامبران الهی

اشاره

خداوند انسان را آفریده است تا او را به کمال و سعادت رهنمون شود. ادراک انسان، به تنهایی برای شناخت راه سعادت، ناکافی است؛

پس خدا پیامبرانی را در رهگذار تاریخ برانگیخته است تا آدمی را به کمالش رهنمون شود. واپسین این پیامبران، حضرت محمد صلی الله علیه و آله است. پیامبران الهی از این ویژگی ها بهره دارند:

الف) دریافت وحی

پیامبران الهی، برگزیدگانی شایسته دریافت وحی از جانب خداوند هستند. وحی، آگاهی ویژه و مهم ترین راه پیوند پیامبران با جهان غیب برای هدایت بشر است. نمی توان وحی را فقط با مقیاس های طبیعی و ابزارهای حسی تبیین کرد و آن را رهاورد تفکر، حواس باطنی، حالات روحی، و نبوغ پیامبر دانست.

ب) عصمت

پیامبران الهی راهنمایان مردم به کمالند؛ پس از هرگونه اشتباه در دریافت و نگاهداری وحی، و نیز ابلاغ و عمل به آن، و هم از هرگونه گناه و خطا مصون هستند.

ج) علم لدنی

خداوند هماهنگ با وظایف و مسئولیت هایی که بر عهده پیامبران نهاده، علوم لدنی، خداداد و خطاناپذیری را هم به آنها بخشیده است.

د) معجزه

اعجاز، مهم ترین راه شناخت پیامبران الهی و به معنای انجام دادن کاری فراتر از عادت و منسوب به خداوند است که دیگران از انجام دادن همانند آن ناتوان هستند.

سه اصل توحید، نبوت، و معاد میان همه ادیان الهی مشترک است و از این رو، روح دعوت آنها یکی است. هر مسلمان وظیفه دارد که به نبوت تمام پیامبران الهی، ایمان داشته باشد. دیگر شرایع الهی و آسمانی، در عصر خود از حقانیت برخوردار بوده اند؛ اما با آمدن دین کامل اسلام، همه آنها نسخ شدند و پیروانشان وظیفه یافتند که به اسلام بگردند. افزون بر این، دیگر شریعت‌ها به تحریف و دگرگونی دچار شده‌اند. با این حال، مسلمانان می‌توانند - و باید - در کنار پیروان دیگر ادیان و مذاهب با صلح و صفا به سر برند. حقانیت اسلام، به مثابه تنها دین کامل، از مهم‌ترین مبانی تحقق نظام اجتماعی اسلام است.

قرآن و سنت نبوی

۱- قرآن

بزرگ‌ترین معجزه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قرآن کریم است که پاره‌ای از جنبه‌های اعجازین آن از این قرارند: آگاهی‌های ویژه درباره جهان غیب و ملکوت، فصاحت و بلاغت، سازگاری و هماهنگی میان همه اجزا، بیان رازهای علمی آفرینش، و پیش‌گویی رخدادهای آینده جهان. هم‌محتوای ژرف قرآن کریم از آن خداوند است و هم ظاهر اعجاب‌انگیزش؛ و پیامبر فقط ابلاغ‌کننده آن به جهانیان است. این معجزه جاودان پیامبر اسلام و هدایت‌کننده انسان‌ها، تا روز قیامت از هر گونه تحریف لفظی، مصون و پیراسته است.

۲- سنت نبوی

سنت و سیره پیامبر اسلام، خواه گفتار و خواه کردار وی، باطن قرآن

را تبیین می کند و همانند نص و ظاهر قرآن، حجت شمرده می شود و از منابع معرفتی نظام اجتماعی اسلام است.

خاتمیت و جهانی بودن اسلام

دین اسلام، واپسین دین الهی و نسخ کننده شریعت های پیشین؛ و حضرت محمد صلی الله علیه و آله آخرین پیامبر الهی است. خداوند حکیم که همه نیازهای ثابت و متغیر انسان را می شناسد، کامل ترین برنامه هدایت همه انسان ها را تا روز قیامت ارائه کرده است. پس اسلام، دینی جاودانه و جهانی و برای همه انسان ها است. راز ختم نبوت در پیراستگی قرآن از تحریف و وجود جانشینانی شایسته برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نهفته است.

امامت پیشوایان معصوم علیهم السلام

۱- ضرورت امامت

خاتمیت و جاودانگی دین اسلام، اقتضا کرد که پیامبر اسلام جانشینانی داشته باشد تا رسالت او را پی گیرند و به وظایفی از این قبیل پردازند: تبیین معارف الهی و احکام دینی، استمرار مرجعیت دینی و رهبری سیاسی - اجتماعی امت اسلامی. از این رو، جانشینان پیامبر اسلام، ویژگی هایی این گونه دارند: علم لدنی، عصمت، ولایت تکوینی و تشریحی و سیاسی و اجتماعی، عدالت، شجاعت، و پارسایی. نام و نشان این پیشوایان را خداوند از زبان پیامبر به جهانیان اعلام کرده است.

۲- امامت پیشوایان دوازده گانه

بر پایه دلیل های فراوان قرآنی و روایی، همچون آیه ولایت، آیه بلاغ،

و احادیث غدیر، ثقلین، و منزلت، خداوند امیرالمومنین علی بن ابی طالب را جانشین بلافصل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خوانده است. پس از آن بزرگ مرد نیز، یازده تن از فرزندانش با معرفی خداوند از زبان پیامبر، به امامت منصوب شدند:

امام حسن بن علی المجتبی علیه السلام، امام حسین بن علی سید الشهداء علیه السلام، امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام، امام محمد بن علی الباقر علیه السلام، امام جعفر بن محمد الصادق علیه السلام، امام موسی بن جعفر الکاظم علیه السلام، امام علی بن موسی الرضا علیه السلام، امام محمد بن علی الجواد علیه السلام، امام علی بن محمد الهادی علیه السلام، امام حسن بن علی العسکری علیه السلام و حجت بن الحسن المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.

مهدویت و انتظار فرج

۱- اعتقاد به مهدویت

از باورهای مشترک تمام مسلمانان، که پیامبر اسلام و پیشوایان معصوم تبیین کرده اند، اعتقاد به وجود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است که جهان را از چنگ بیداد و تاریکی می رهاند و حکومت عدل جهانی را برپا خواهد کرد. بر پایه حکمت الهی، تا آن گاه که مردم برای برپایی حکومت جهانی اسلام آماده شوند، آن امام پشت پرده غیبت، از دیدگان مردم پنهان است. وی در دوران غیبت صغری، ۶۹ سال از طریق چهار نماینده خاص با مردم ارتباط داشت و پس از آن، تا روزی که به اذن الهی قیام نماید، در غیبت کبری به سر می برد.

۲- انتظار فرج

مسلمانان در دوران غیبت کبری، وظیفه دارند به انتظار فرج باشند.

انتظار یعنی تلاشی که زمینه ساز ظهور امام عصر، از رهگذر ایمان محکم، برپا داشتن احکام شرعی، تدوین نظام های اجتماعی، تشکیل حکومت اسلامی، و خواستن قلبی فرج آن پیشوای عادل است. مرجعیت دینی و رهبری سیاسی - اجتماعی امت اسلامی در دوران غیبت کبری، بر عهده فقیهی است که همه ویژگی های رهبری امت را داشته باشد.

۳- حکومت جهانی حضرت مهدی

آن گاه که بیداد جهان را فراگیرد و مؤمنان آماده قیام شوند، حضرت مهدی به اذن الهی بر پای می خیزد و جهان را از عدل و داد لبریز می کند. در حکومت آن حضرت، همه انسان ها زیر سایه حاکمیت قوانین اسلام زندگی خواهند کرد. در آن دوران طلایی، عدالت فراگیر می شود؛ اتحاد و همدلی حکم فرما می گردد؛ خیر و برکت مادی و معنوی و رشد فکری، اخلاقی، و ایمانی بشر فزونی می یابد؛ و نظام اجتماعی اسلام به صورت جامع و کامل تحقق می یابد.

جامعیت اسلام

دین اسلام و آموزه های قرآن و سنت نبوی و امامان معصوم، این جامعیت و توانایی را دارد که در قلمروهای گوناگون مادی و معنوی، فردی و اجتماعی، و دنیایی و آخرتی، انسان را به سعادت راستین رهنمون شود. اسلام، روح اجتماع را به کامل ترین وجه در کالبد احکام خود دمیده است. قلمرو دین در ساحت اعتقادات و احکام شرعی و ارزش های اخلاقی، حداکثری است؛ یعنی همه گزاره های لازم برای سعادت انسان، و نیز همه احکام شرعی در عرصه های فردی و اجتماعی،

شامل احکام عبادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی، و مدیریتی را در سه گستره احکام اولی، ثانوی، و حکومتی بیان کرده است. ارزش های اخلاقی اسلام نیز در چهار قلمرو سامان یافته است: ارتباط با خدا (اخلاق الهی)؛ با خود (اخلاق فردی)؛ با جامعه (اخلاق اجتماعی)؛ و با جهان (اخلاق بین المللی).

حقانیت و جامعیت اسلام، بهره گیری از آموزه های دینی را در علوم بشری بایسته می سازد. آموزه ها و ارزش های اسلامی در فرایند علمی دانش های بشری، به ویژه علوم انسانی، اثری بسزا دارند. این اثربخشی در انگیزه دانشوران، فرضیه سازی، جهت گیری، مبادی، و اهداف علوم رخ می نماید. یافته های قطعی علم و عقل با آموزه های قطعی دین، هماهنگ و سازگار است و میان آنها هیچ ستیزی نیست.

معنویت و عرفان نیز از قلمروهای اسلام جامع نگر است. معنویت، امری صرفاً احساسی و ذوقی نیست؛ بلکه سلوک و حقیقتی الهی، معرفت بخش، مطابق با فطرت، و ناظر به تمام شئون انسان است که تنها در سایه عبودیت و با پیروی از قرآن و سنت پیشوایان معصوم فراهم می آید.

اسلام با تأکید بر ارتباط حقیقی میان دنیا و آخرت و آموزه های دربردارنده ابعاد گوناگون کمال انسان، هم به سعادت او در جهان ماندگار می پردازد و هم به نیکبختی او در همین جهان ارزش می نهد. پس اسلام با سکولاریسم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، که فعالیت دین را در امور فردی منحصر می داند، و نیز با سکولاریسم معنوی سر سازگاری ندارد.

مرگ، معاد، و قیامت

مرگ، نه نیستی، که انتقال از این جهان به سرای جاودان است. در

جهان بینی اسلامی، شهادت و کشته شدن در راه خداوند، والاترین گونه مرگ است. حکیمانه و دادگرانه نیست که خداوند انسان را خلق کرده، اما سرای جاودان را برایش نیافریده باشد. اعتقاد به معاد، به معنای باز زنده شدن انسان ها در روز قیامت، از باورهای تردیدناپذیر پیروان ادیان الهی است. آن روز خداوند با عدل و فضلش کارنامه آدمیان را می سنجد. نیکوکاران در بهشت، نعمت می یابند و بدکاران در دوزخ کیفر می بینند. دنیا در بینش الهی، مزرعه آخرت است؛ و دنیا و آخرت، دو چهره یک حقیقت هستند. این بینش به انسان یاری می دهد تا راهبردهای سیاسی - اجتماعی را افزون بر فهم واقعیت های زندگی دنیایی، بر پایه غایت حقیقی انسان و اعتقاد به معاد تنظیم کند.

عقلانیت معرفت اسلامی

معرفت های اسلامی نیز همچون معرفت های بشری، با ابزارها و منابع معرفت، دریافت و اثبات می شوند. پس آموزه های اسلام، بی واسطه یا با واسطه، درخور اثبات عقلانی هستند. بر این اساس، ایمان دینی رهاورد استدلال است و با یقین درآمیخته و از شک و تردید پیراسته است.

زبان اسلام

زبان قرآن و سنت، واقع نما، غیراستعاری، و غیرنمادین است؛ گرچه گاه از شیوه های بلاغی، همچون تمثیل و کنایه بهره می گیرد.

روش فهم اسلام

فهم اسلام با روش منطقی ممکن است. این روش، آمیخته از عقل و نقل دینی (قرآن و سنت پیامبر و پیشوایان معصوم) است. فهم متون دینی و برداشت از آنها، بی اسلوب و قاعده ممکن نیست؛ و برخلاف

یک) متون دینی در پی انتقال مقصود خاصی هستند که خواننده باید به دنبال کشف آن باشد.

دو) خواننده می تواند به این مقصود دست یابد.

سه) هر مقصودی را نمی توان از هر متنی استنباط کرد، بلکه باید با توجه به قواعد، آداب، و اسلوب های زبانی، که میان عقلا رایج است، به سراغ دین و متونش رفت و برای کشف مقصود حقیقی آن تلاش کرد. برای دریافت مقصود متون دینی، به ویژه قرآن، در کنار بهره وری از همه آگاهی های بایسته، باید از تفسیر به رأی و پیش داوری پرهیز کرد.

چهار) برای فهم درست و دقیق قرآن، باید از روش تفسیر قرآن به قرآن و نیز سخنان پیشوایان معصوم بهره گرفت.

تحول معرفت اسلامی

معرفت اسلامی، یعنی فهم عالمان دین از متون دینی، تغییر کمی و کیفی می پذیرد؛ یعنی هم میزان آن افزوده می شود و هم عمق می یابد. اما تحول به معنای رد و ابطال معرفت قبلی، تنها در معرفت های غیریقینی ممکن است و یقینات و معرفت های قطعی اسلام، هرگز تحول نمی پذیرند.

نگرش اندام واره به اسلام

دین اسلام، در زمینه های مختلف زندگی فردی و اجتماعی، آموزه ها و احکامی خردپذیر، هماهنگ، دارای انسجام درونی و استحکام بیرونی، و نیز هدفمند ارائه کرده است. نگرش اندام واره به اسلام، قابلیت استنباط نظام واحد و منسجم اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی، و

مدیریتی را فراهم می آورد. نظام اجتماعی اسلام، بر معرفت حقیقی و معیارمند استوار است که در همه فعالیت های اجتماعی، نقشی بنیادین دارد. هر یک از گزاره ها و ارزش های اسلامی، در این نظام جایگاهی ویژه دارند.

اجتهاد و مقتضیات زمان

اصول اعتقادی اسلام، اموری ثابت هستند که در هیچ مکان و زمانی تغییر و تحول نمی یابند. اصول و قواعد کلی اخلاق نیز از این گونه اند. اما برخی احکام شرعی، ثابت؛ و پاره ای از آنها به تناسب مقتضیات زمان و مکان، تغییرپذیرند. شریعت اسلام اصول هدایت بشر را در همه زمان ها و مکان ها وضع کرده و آن گاه، اسلوبی خاص را به نام اجتهاد پیش کشیده است تا کارشناسان دین با مراجعه به قرآن و سنت و با استفاده از عقل سلیم آنها را کشف کنند و براساس اصول کلی پاسخ نیازهای بشر را بیابند. این مکتب اجتهادی می تواند جامعه بشری را در هر زمان و مکان به بهترین روش اداره کند و نظام اجتماعی توحیدمحور را طراحی و محقق سازد.

نگرش تاریخی و تجربی

در تنظیم نهادها و تصمیم سازی های نظام اجتماعی اسلام، نگرش تاریخی و تجربی در شناخت روش ها، پدیده ها، و موضوعات اجتماعی، البته با بهره گیری از احکام و ارزش های اسلامی، نقشی بسزا دارد.

فقر وجودی انسان

خداوند، آفریننده و تنها حکمران هستی و انسان و محور جهان است. همه آفریدگان، از جمله انسان و فعالیت‌ها و دست‌آوردهایش، در پیشگاه خدا سراسر فقر و نیاز و وابستگی‌اند. اگر انسان این را نیک دریابد، جایگاه خود در هستی و چند و چون رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش را در مسیر قرب به خدا می‌یابد.

جنبه‌های وجودی انسان

آدمی، دو ساحت جسمانی و روحانی، یا مادی و ملکوتی دارد. ساحت روحانی انسان، اصالت و هویت واقعی او را شکل می‌دهد و حیات واقعی و تدبیر بدنش را بر عهده دارد. روح، حتی در پی جدا شدن از بدن، به حیات خود ادامه می‌دهد. امتیازهای انسان در قیاس با دیگر آفریدگان، مرهون ویژگی‌های روحانی او است که ارزش‌های

معنوی و الهی از آن برمی خیزد. ساحت مادی انسان، می تواند زمینه ساز رشد و کمال معنوی و سعادت جاودانه او باشد. نیت ها و اعمال نیک و بد در زندگی فردی و اجتماعی، آهسته و پیوسته، به آدمی هویتی مثبت یا منفی می بخشند و او را به والاترین یا پست ترین جایگاه های هستی می رسانند.

فطرت ملکوتی

خداوند، انسان را با طبیعتی حیوانی و فطرتی ملکوتی آفریده است. او به اقتضای طبیعت حیوانی اش، آزمند و ستم ورز و نادان و شتابگر (حریص و ظلوم و جهول و عجول) است و به اقتضای فطرت ملکوتی اش، دریافت ها و گرایش هایی همچون خداشناسی، خداجویی، خداپرستی، عدالت خواهی، کمال طلبی، خیرخواهی، و حقیقت جویی دارد. بر پایه همین فطرت، او برای تکامل و هدایت به دین الهی نیاز دارد و به طور طبیعی پذیرنده آن است.

نیازهای انسانی

انسان در نهاد خویش، دارای نیازهای مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، و فردی و اجتماعی است. در اندیشه سیاسی - اجتماعی اسلام، زنجیره این نیازها بر پایه اهداف نزدیک و میانی و نهایی اولویت بندی می شود. مهم ترین نیازهای زیستی، اقتصادی، سیاسی، دینی، و فرهنگی انسان از این قرارند: حیات، شناخت و پرستش خداوند، دین و هدایت الهی، خودشناسی و خودسازی، کمال، امنیت، عدالت، آزادی، اخلاق و تربیت، اسوه و الگو، محبت، زندگی اجتماعی و حکومت.

انسان، که از عقل و حکمت بهره مند است، کرامتی تکوینی دارد و از دیگر آفریدگان برتر است. او با پرهیز از گناه و رعایت تقوای الهی، کرامت اکتسابی خواهد یافت و شایسته کرامت اجتماعی می گردد. در این حال، می تواند جانشین و خلیفه خدا در زمین شود. اما با جهل، ظلم و طغیان، کرامت خود را از دست می دهد.

هدف آفرینش انسان

خداوند، انسان و جهان را برای رسیدن به کمال آفریده است. این نشان می دهد که همه ذرات جهان هستی، از جمله انسان، به سوی خداوند در حرکتند. هدف نهایی آفرینش انسان، سعادت و قرب الهی است. این هدف از طریق هدف هایی مقدماتی چون: معرفت، آزمایش، عبادت، و عدالت میسر می شود. حیات آدمی بر اساس این اهداف متعالی و در سایه ارزش های اخلاقی و تهذیب نفس، معنا می یابد. قرب و نزدیکی به خدا، شکل زمانی و مکانی ندارد؛ بلکه به معنای زدوده شدن حجاب میان انسان و خدا و سرانجام، علم حضوری آگاهانه انسان به نیازمندی و عین ربط بودن به خداوند است. هدف اصلی آفرینش انسان و بعثت پیامبران، سعادت و قرب به خداوند با «تزکیه و تهذیب نفس و هدایت الهی» است؛ البته برآورده شدن نیازهای مادی، چون نیازهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به اهداف متعالی اهمیت دارد. پس برآورده شدن نیازهای مادی انسان باید زمینه ساز رشد و تکامل روح او، ترویج و گسترش اخلاق و معنویت در جامعه و در مسیر تقرب به خداوند باشد.

اختیار و آزادی انسان

انسان، استعدادهای گوناگون و رشدپذیری دارد که می تواند آنها را به فعلیت برساند. شکوفایی این استعدادها، با اختیار و اراده او سامان می یابد و از این رو، این شکوفایی می تواند به طور ناقص یا کامل صورت پذیرد. کارهای اختیاری انسان، هنگامی ارزشمند است که بر پایه تفکر، خردورزی، و سنجش شکل گیرد.

مسئولیت و تربیت پذیری انسان

انسان دو حیثیت فاعلی و قابلی دارد؛ یعنی آفریده ای است که با اندیشه، انگیزه، خلاقیت، اراده، و اختیار، مسئول کردار خویش است و می تواند دنیا و آخرت و زندگی فردی و اجتماعی خود را بسازد. این فاعلیت، از رهگذر تعامل پیوسته انسان آگاه و فعال با طبیعت و جامعه فراهم می شود. از طرف دیگر، انسان با فطرت الهی خود، دریافت کننده ادراکات و ارزش هایی است که بر اساس آن می تواند به گونه ای صحیح تعلیم و تربیت یابد تا مسیر الهی را پیماید و عنصری سودمند و با ارزش در خدمت سعادت اجتماع باشد یا ممکن است با تعلیم و تربیت نادرست، پیرو شیطان شود و در مسیر گمراهی راه سپارد. تربیت و شکوفاسازی فطرت انسان، باید همه جانبه، هم سو، متعادل، و در جهت قرب به خداوند صورت پذیرد.

انسان و تکالیف الهی

آدمیان گرچه طبیعت و فطرت مشترک دارند، از امکانات، فرصت ها، و استعدادهای متفاوت بهره می برند. بر اساس این گوناگونی، مسئولیت

آنان تفاوت می یابد. این تفاوت ها هم میان افراد و گونه های بشر، به لحاظ جنسیت، استعدادهای طبیعی، و امکانات و وضع زندگی، رخ می نماید و هم در طول زندگی هر فرد، به تناسب مقتضیات مراحل رشد جلوه می کند. این گونه تفاوت ها، که از حکمت الهی و نظام علی و معلولی جهان سرچشمه می گیرد، سبب می شود تا انسان ها هم تکالیف مشترک و هم مسئولیت های خاص داشته باشند.

انسان اجتماعی در اسلام

انسان بر اساس فطرت الهی و برای برآوردن نیازها و شکوفا کردن استعدادهایش، سرشتی اجتماعی دارد. او با اعتقاد به وجود آفریدگاری مدبر، رازق، ناظر و حسابرس، و نیز با اعتقاد به هدفمندی جهان و حیات جاودانه، به زندگی خود معنا می بخشد و رفتارش را رنگی الهی و عبادی می زند. او فطرتی الهی دارد و در پرتو تربیت اسلامی، فردی پویا، مسئولیت پذیر و توانا می شود و خود را امانت دار نعمت های الهی می داند و رفتار اقتصادی، سیاسی، و فرهنگی خود را بر پایه عقلانیت اسلامی سامان می دهد. بر این اساس، امید به آینده در او موج می زند و با نشاط و تلاش روزافزون به فعالیت اجتماعی می پردازد. انسان اجتماعی در اسلام، از مواهب الهی همچون ثروت و قدرت مشروع بهره می برد و از رهبانیت می پرهیزد؛ اما همواره این بهره وری را در سمت و سوی تکامل و قرب الهی قرار می دهد و از طغیان و سرمستی و غفلت از یاد خدا دوری می جوید و در هر حال، خداوند را ناظر و مراقب اعمال خود می بیند.

انسان می تواند هم عقلانی و همگام با پیشرفت دانش و فناوری زندگی کند و هم به باورها و فریضه های دینی پایبند باشد. در نگرش توحیدی، عقلانیت و فناوری معطوف به تکامل و هدایت الهی است. فناوری بدون همراهی با آموزه ها و ارزش های الهی، جسم و جان آدمی و محیط زیست و روابط اجتماعی او را به تباهی می کشاند.

ارزش‌های الهی به دو دسته حقوقی و اخلاقی تقسیم می‌شوند. ارزش‌های حقوقی، مجموعه قواعد و مقررات الزامی، نهادها و سازمان‌هایی است که بر رفتار اجتماعی انسان حکومت می‌کند و به تعیین و تبیین حق‌ها، تکلیف‌ها، محرومیت‌ها، معافیت‌ها، آزادی‌ها، محدودیت‌ها و مصونیت‌های او می‌پردازد. دولت ضمانت اجرای این ارزش‌ها را بر عهده دارد.

ارزش‌های اخلاقی، مجموعه فضیلت‌ها و بایسته‌های فطری است که ایمان و تعهد وجدانی، ضامن رشد و شکوفایی آنهاست. ارزش‌های حقوقی اسلام، از یک سو، نگاهبان و پاسدار ارزش‌های اخلاقی است و از سوی دیگر، با تبدیل پاره‌ای از توصیه‌های اخلاقی به قاعده‌های الزامی حقوقی، تحقق آنها را در جامعه تضمین می‌کند و نظام زندگی اجتماعی را به گونه‌ای سامان می‌بخشد که فرصت رشد و خودسازی معنوی و سیاسی برای همه پدید آید.

تمایز میان واقعیت و حقیقت

میان حقیقت - در برابر باطل - و واقعیت تمایز آشکاری وجود دارد. واقعیت، آن است که در بیرون وجود دارد، اما لزوماً از حقیقت و ارزش برخوردار نیست.

ذاتی و عقلانی بودن ارزش های اخلاقی

فضیلت ها و رذیلت های اخلاقی، حسن و قبح ذاتی دارند و عقل بشری، کلیات و نیز پاره ای از جزئیات آنها را درمی یابد. آموزه های وحیانی برای تکمیل و تأیید مکارم اخلاقی، عقل را یاری می کنند.

مطلق و جاودانه بودن ارزش های اخلاقی

ارزش ها و فضیلت های اخلاقی و حقوقی همچون عدالت، شجاعت، صداقت، نیکوکاری و امانت داری، مطلق هستند و در همه زمان ها و مکان ها یکسان اند و گرایش به آنها و شناختشان در فطرت همه انسان ها نهفته است. وحی و شریعت الهی، این گرایش و شناخت را شکوفا می کند.

توحید، مبنای ارزش های اسلامی

خداوند، به خودی خود، بی نیاز است و انسان، به خودی خود، فقیر. توحید و رابطه آن بی نیاز مطلق با این نیازمند مطلق، مبنای ارزش های اخلاقی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی در اسلام است. هر فرد با نگرش توحیدی و این باور که همه انسان ها همانند او، آفریده و وابسته رحمت و لطف خداوند هستند، به دیگر انسان ها، محبت می ورزد و در انجام هر مسئولیتی که بر عهده دارد، خود را خدمت گذار آنان می شمارد.

حاکمیت و ارزش های معنوی

بر پایه اصالت روح و کرامت انسانی، ارزش های معنوی در تعیین اهداف و راهکارهای سیاسی و اجتماعی اولویت دارند.

عقلانیت معطوف به عمل

عقلانیت اسلامی، مجموعه ای نظام مند از اندیشه های بنیادین و ارزش های فضیلت گرا و سعادت محور است که بر منابع معرفتی اسلام مبتنی است. بر اساس این الگو، عقلانیت معطوف به عمل اجتماعی به تصمیم سازی و برنامه ریزی می پردازد و احساسات و عواطف و میل های درونی و بیرونی جامعه را هدایت می کند.

ویژگی های ارزش های اسلام

۱- انسانی بودن

ارزش های حقوقی و اخلاقی اسلام، بر اراده حکیمانه و توحید در ربوبیت تشریحی الهی، پایه ریزی شده اند؛ پس انسانی، فراملی، فرازمانی و فرامکانی اند و در عین حال، جلوه های آن می توانند ملی و بومی شوند.

۲- عادلانه و حکیمانه بودن

خداوندی که انسان را آفریده است و به همه ساحت ها، نیازها، مصلحت ها و مفسده های واقعی انسان آگاهی دارد، ارزش های حقوقی و اخلاقی اسلام را عادلانه، کریمانه، حکیمانه و بدون گرایش به منافع افراد، گروه ها و نژادی خاص تبیین فرموده است.

۳- انطباق با شریعت اسلامی

ارزش های حقوقی و اخلاقی اسلام، بر پایه معارف دینی استوار است. بر این اساس، همه قوانین و مقررات در نظام اجتماعی اسلامی، از قانون اساسی گرفته تا تصمیمات شوراهای محلی، تنها هنگامی اعتبار دارد که با شریعت اسلامی مطابق باشد.

۴- قابلیت تبیین عقلانی

ارزش های اسلامی، استدلال پذیر هستند.

۵- هماهنگی و انسجام درونی

ارزش های اسلامی از انسجام و استحکام درونی برخوردارند.

۶- وسعت و گستردگی

ارزش های اسلامی همه عرصه های حیات دنیا و آخرت و ساحت های وجود انسان و رابطه او را با خدا، خود، خانواده، جامعه و جهان در بر می گیرد.

۷- اختیاری بودن

یکی از وجوه امتیاز ارزش های اسلامی و تاثیرشان در کمال انسان، اختیاری بودن آنهاست.

۸- مطلوب بودن

ارزش های اسلامی، به خودی خود، خواستنی و دوست داشتنی اند و فطرت آدمی به آنها گرایش دارد.

۹- قابلیت بهره مندی همگانی

هر کس در هر مرتبه از کمال فکری و معنوی و با هر سطحی از معرفت و موقعیت اجتماعی، می تواند به فراخور حال خویش، از ارزش های اسلامی بهره گیرد.

۱۰- مسئولیت آوری

همه رفتارهای ارزشی در اسلام آمیخته به وجوب و الزام نیستند؛ اما انسان در قبال آنها مسئولیت دارد.

۱۱- انسان سازی

ارزش های اسلامی، نفس انسان را اصلاح و او را به حقیقت ملکوتی اش نزدیک می کنند.

۱۲- پاسداری از هویت فرهنگی

ارزش های اسلامی، اصلاح گر و تداوم بخش هویت فرهنگی فرد و جامعه اند؛ سلامت رفتارهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و حقوقی را تضمین می کنند؛ و زمینه ساز جامعه مهدوی هستند.

فطرت الهی و زندگی اجتماعی

انسان بر پایه فطرت الهی و برای برآوردن نیازها و شکوفا کردن استعدادهایش، سرشتی اجتماعی دارد. او به طور طبیعی با دیگر آدمیان انس می‌گیرد و تکامل معنوی و برآمدن نیازهای مادی اش را از همین زندگی اجتماعی وام می‌گیرد.

سنت‌های الهی و حاکمیت

خداوند، دو گونه سنت را در نهاد جهان جاری کرده است: سنت‌های مطلق، همچون هدایت الهی و آزمایش؛ و سنت‌های مشروط، همانند افزودن یا بازگرفتن نعمت. همه افراد جامعه، به ویژه مدیران و حاکمان، باید در سامان دهی نظام سیاسی - اجتماعی و تعیین اهداف و اصول راهبردی و برنامه ریزی، در چارچوب سنت‌های الهی حرکت کنند. ستیز با نظام تکوین و تشریح الهی، سرانجام راه به شکست می‌برد.

عوامل معنوی همچون ایمان، تقوا، شکر نعمت، توکل، استغفار و انفاق، در فراوانی نعمت، افزایش بازدهی، و بهره‌وری عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و مدیریتی، نقشی بسزا دارند. جامعه‌ای که ایمان آورد، تقوای الهی پیشه کند، و به خداوند توکل نماید، هیچ‌گاه نومیدی به خود راه نمی‌دهد و در برابر حوادث و بحران‌ها شکیبایی می‌ورزد. بر این اساس، دولت اسلامی افزون بر تلاش در جهت عمران و آبادانی برای رسیدن به زندگی پاکیزه و حیات طیبه، باید به ابعاد فرهنگی و معنوی انسان توجه ویژه داشته باشد.

رابطه فرد و جامعه

انسان برای رفع نیازها و به فعلیت رساندن استعدادهای خود، به زندگی اجتماعی گرایش دارد. هویت انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی، و سیاسی جامعه اثر می‌پذیرد همان‌گونه که آدمی می‌تواند با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی، بر آن تأثیر بگذارد. جامعه دارای قوانین، حقوق، و سنت‌های خاص خود است و می‌تواند سالم یا فاسد باشد. جامعه نیز همچون فرد، اوج یا فرود دارد. شخصیت و هویت افراد در جامعه شکل می‌گیرد و استعدادهای آنها شکوفا می‌شود؛ اما فرد در برابر وضعیت و جریان‌های اجتماعی بی‌اختیار نیست. او می‌تواند برخلاف مسیر جامعه حرکت کند و برای اصلاح آن بکوشد. پس اراده و اختیار انسان، همراه عوامل اجتماعی، سرنوشت انسان و جامعه را رقم می‌زنند.

ریشه تغییرهای اجتماعی

هر دگرگونی در اقوام و جوامع، بسته به آن است که افراد در وجود خود تحول پدید آورند. تا آن گاه که انسان متحول نشود، جامعه تحول نخواهد یافت. پس مدیریت تحول هر جامعه، وامدار مدیریت تحول افراد است.

حیات طیبه در جامعه اسلامی

تحقق حیات طیبه در گستره اجتماع، زمینه ساز دستیابی به قرب الهی است. حیات طیبه دربرگیرنده ابعاد فردی و اجتماعی هماهنگ با یکدیگر و متناسب با شئون مختلف زندگی است. حیات طیبه، نوعی زندگی اجتماعی متعادل است که با صبغه الهی و پذیرش مبانی دینی و اجرای ارزش های اسلامی در شئون مختلف زندگی آدمی سامان می یابد.

وحدت جامعه و کثرت مراتب اجتماعی

اهداف جامعه و امت اسلامی آن گاه به بار می نشیند که اعضای جامعه در کنار یکدیگر، همچون اعضای یک پیکر در خدمت آن مجموعه قرار گیرند و زنجیره مراتب اجتماعی را شکل دهند. مرجعیت و ولایت دینی، بالاترین منزلت جمعی در نظام اجتماعی اسلام است. در این نظام، کثرت نقش ها و نهادهای اجتماعی و قوای سیاسی با خدامحوری، دین مداری، و ولایت پذیری، وحدت می یابند.

ضرورت برپایی حکومت اسلامی

خداوند به منظور اصلاح جامعه و هدایت آن در بستر حیات طیبه، حق

حاکمیت را به پیامبران و امامان معصوم که خود برگزیده، واگذار کرده است. در عصر غیبت، ولی فقیه شایسته رهبری، مسئولیت برپایی و اداره حکومت اسلامی را بر عهده دارد. مهم ترین دلیل ضرورت حکومت اسلامی، حقانیت و جاودانگی و جامعیت اسلام است. مدیریت اجتماعی اسلام در مبانی، اهداف، و روش ها با مدیریت طاغوت ناسازگار است. حکومت اسلامی وظیفه دارد نظام های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی، تربیتی، و مدیریتی را تدوین و احکام الهی را اجرا و تنظیم و امور اجتماعی را هماهنگ با مقتضیات زمان و مکان تدبیر کند. اهتمام به عمران و آبادانی، همراه با برقراری عدالت اجتماعی در سمت و سوی هدایت انسان ها، از مهم ترین وظایف دولت اسلامی است. پس در نظام اجتماعی اسلام، برپایی حکومت و حتی تحقق عدالت، هدف اصلی نیست؛ بلکه خود، امانتی در دست حاکمان و ابزاری برای هدایت انسان هاست.

مشروعیت الهی حکومت

خداوند، آفریننده و مالک انسان و همه هستی و دارای صفت ربوبیت، عدالت، رحمانیت، و دیگر صفات کمال است. این اوصاف الهی، تبیین کننده چگونگی تصرف خدا در گستره حاکمیت خود است. انسان های شایسته، تنها با اذن تشریحی خداوند و اهداف و شرایطی که او تعیین کرده است، می توانند با مشروعیت حکومت کنند.

نقش محوری فرهنگ اسلامی در جامعه

فرهنگ در جامعه اسلامی دربردارنده ارزش های والای انسانی و برگرفته از آموزه های قرآن و عترت است و بر همه شئون فردی و اجتماعی

اثر می گذارد. فرهنگ، راه توسعه و تعالی نظام های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را تبیین می نماید. فرهنگ مطلوب، بینش سیاسی جامعه را به والاترین جایگاه می رساند؛ زمینه بهره مندی همگانی را از مواهب الهی فراهم می نماید؛ و جایگاه جامعه اسلامی را در قلمرو دانش سرآمد می سازد.

فراوانی منابع معیشت انسان

مجموعه امکانات و منابع معیشت انسان، چندان فراوان و گسترده است که با نیازهای انسانی هماهنگ و برای همه بشر بسنده است. خداوند نه تنها رزق آدمیان، بلکه روزی همه جنبندگان را تضمین کرده است. اما سنت الهی چنین است که «هرکس بکوشد، بیابد». هر جامعه ای می تواند با تدبیر و تلاش و توزیع عادلانه، ثروتمند شود یا با سوء مدیریت و کم کاری و توزیع ناعادلانه به فقر گرفتار گردد. پس در تنظیم برنامه های کلان سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی، باید مصلحت همه افراد و ملت ها و نیز پاسداشت حقوق آیندگان و جلوگیری از اسراف منابع طبیعی و مواهب الهی را همواره در نظر داشت.

مالکیت اعتباری انسان

خداوند، مالک حقیقی آسمان و زمین و همه آفریدگان است. پس انسان امانت دار و مالک اعتباری دارایی ها و موهبت هایی است که خدا در اختیارش نهاده است و بهره مندی اش از این نعمت ها باید در گستره حدود و مقررات الهی باشد. این نوع مالکیت، در طول مالکیت خداوند، و نه در عرض آن است. این مالکیت اعتباری در سه قلمرو مالکیت عمومی، دولتی، و خصوصی رخ می نماید.

انسان آفریده ای است مختار که در پرتو رهنمودهای عقل و شرع می تواند آزادانه مسیر تکامل مادی و معنوی و سعادت حقیقی خود را برگزیند. به کارگیری شیوه های فشار و سلب آزادی ها، هم انگیزه کار، قوه ابتکار، و استعدادها را نابود می کند؛ و هم درآویختن با اراده حکیمانه الهی است. از این رو، رفع محدودیت های بیهوده و اعطای آزادی های مشروع و معقول، که زمینه ساز شکوفایی و بالندگی استعدادهای انسانی است، جایگاه ویژه ای در اندیشه سیاسی - اجتماعی اسلام دارد.

بخش دوم: ساختار و ارکان جمهوری اسلامی

اشاره

ص: ۵۹

حق حاکمیت بر جهان و انسان از آن خداست و همو انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. هیچ کس مجاز نیست این حق خداداد را از انسان بازستاند یا آن را در خدمت منافع فرد و گروهی خاص قرار دهد. اعمال اصل حاکمیت الهی از سوی مردم، با رهبری و مدیریت ولی فقیه جامع شرایط و اجرای قوانین اسلامی صورت می گیرد. با پیروزی انقلاب اسلامی و رأی قاطع مردم به نظام جمهوری اسلامی ایران، اصل حاکمیت مردم با برگزاری انتخابات و آراء عمومی در عرصه هایی چون انتخاب رهبر، رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای خبرگان رهبری، و شوراهای محلی تحقق یافت. نیز گروه های سیاسی، جمعیت ها، و اقلیت های دینی به رسمیت شناخته شده می توانند در چارچوب اصول حاکم بر جمهوری اسلامی ایران نظیر استقلال، آزادی، وحدت ملی، و موازین اسلامی آزادانه فعالیت کنند. پس ساختار سیاسی جمهوری اسلامی دارای الگوی مردم سالاری دینی است که بر مبنای نظریه ولایت فقیه، حاکمیت مردم را محقق می سازد.

در دوران غیبت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ولایت امر و رهبری جامعه بر عهده فقیه عادل، پرهیزگار، آگاه به زمان، دلیر، مدیر و مدبر نهاده شده است. تعیین رهبر با خبرگان برگزیده مردم است. در نظام حقوقی ایران، رهبر، که والاترین جایگاه اجتماعی را دارد، در انتخابی با واسطه با رأی مردم برگزیده می شود. دخالت قوای سه گانه و دیگر مدیریت ها در امور جامعه، تنها با امضا و تنفیذ حاکم اسلامی مشروعیت می یابد. براساس اصل ولایت مطلقه فقیه، عمده ترین وظایف رهبر در نظام جمهوری اسلامی ایران از این قرار است: تعیین سیاست های کلی نظام و نظارت بر حسن اجرای آن، صادر کردن فرمان همه پرسی، فرماندهی کل نیروهای مسلح، اعلان جنگ و صلح و بسیج نیروها، نصب و عزل و پذیرش استعفای فقهای شورای نگهبان و عالی ترین مقام قوه قضائیه، امضای حکم ریاست جمهوری، عزل رئیس جمهور با در نظر گرفتن مصالح کشور (پس از حکم دیوان عالی کشور به تخلف وی از وظایف قانونی یا رأی مجلس شورای اسلامی به عدم کفایت وی)، حل اختلاف

و تنظیم روابط قوای مستقل سه گانه. رهبر می تواند پاره ای از وظایف و اختیارات خود را به شخص دیگری بسپارد. در پیشگاه قانون، رهبر با دیگر افراد جامعه برابر است.

خبرگان رهبری

پس از بنیان گذار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره که از طرف اکثریت قاطع مردم به مرجعیت و رهبری شناخته و پذیرفته شدند، تعیین رهبر با خبرگان برگزیده مردم است. خبرگان رهبری، مجموعه ای از مجتهدان و فقهای باصلاحیت و برگزیده مردم هستند که به مدت هشت سال وظایفی همچون انتخاب رهبر، نظارت بر تداوم ویژگی های رهبر و اعلان بقای صلاحیت یا عدم صلاحیت رهبر را بر عهده دارند. اگر رهبر چشم از جهان بر بندد یا یکی از شرایط رهبری را از دست دهد یا کناره گیری کند یا برکنار شود، خبرگان وظیفه دارند در کوتاه ترین زمان ممکن، رهبری شایسته را برگزینند. تا هنگام معرفی رهبر جدید، شورایی وظایف رهبر را بر عهده می گیرد که اعضای آن از این قرارند: رئیس جمهور، رئیس قوه قضاییه، یکی از فقهای شورای نگهبان به انتخاب مجمع تشخیص مصلحت نظام.

مجمع تشخیص مصلحت نظام

مجمع تشخیص مصلحت نظام، بازوی مشورتی رهبر است و به دستور وی تشکیل می شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را رهبر برمی گزیند. بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، این مجمع با شناسایی مصلحت های نظام، سیاست های کلی را به رهبر پیشنهاد می کند.

دیگر وظایف مجمع از این قرار است: تصمیم‌گیری درباره مصوبات مورد اختلاف میان مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان، حل معضله‌های نظام و ارائه دیدگاه‌های مشورتی به رهبر در اموری که وی به این نهاد ارجاع می‌دهد. مقررات مربوط به اداره مجمع را اعضای آن، تصویب می‌کنند و به تأیید رهبر می‌رسانند.

قوه مقننه

۱- مجلس شورای اسلامی

نمایندگان مجلس شورای اسلامی با رای مستقیم و پنهان مردم به مدت چهار سال برگزیده می‌شوند و به مجلس شورای اسلامی راه می‌یابند. زرتشتیان، کلیمیان، و مسیحیان ارمنی هر کدام یک نماینده؛ و مسیحیان آشوری و کلدانی با هم یک نماینده انتخاب می‌کنند.

نمایندگان در نخستین نشست مجلس، بر پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و پایبندی به حقوق ملت سوگند یاد می‌کنند. مذاکرات مجلس جز در مواقع اضطراری، علنی است و گزارش کامل آن از طریق رادیو و روزنامه رسمی به آگاهی همگان می‌رسد. مهم‌ترین وظیفه مجلس، قانون‌گذاری براساس قانون اساسی و اصول و احکام مذهب رسمی کشور است. رأی اعتماد به وزیران و سؤال از ایشان و استیضاح آنان، و نیز تحقیق و تفحص در هر یک از امور کشور، که مجلس ضرورت بداند، از وظایف نمایندگان مجلس است. عهدنامه‌ها، مقاله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی نیز باید به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

هر نماینده، هم در برابر همه ملت مسئول است و هم حق دارد در

همه امور داخلی و خارجی کشور اظهار نظر کند. نمایندگان در مقام ایفای وظایف نمایندگی، در بیان دیدگاه و رأی خود کاملاً آزادند و نمی توان آنان را به سبب دیدگاه ها و آراء مربوط به وظایف نمایندگی شان، تعقیب یا توقیف کرد.

مصوبات مجلس، جز در تصویب اعتبارنامه نمایندگان و انتخاب اعضای حقوقدان شورای نگهبان، با تأیید شورای نگهبان اعتبار قانونی می یابد.

۲- شورای نگهبان قانون اساسی

شورای نگهبان مرکب از شش فقیه عادل و آگاه به مقتضیات زمان و شش حقوقدان مسلمان است. فقیهان را رهبر انتخاب می کند؛ اما حقوقدانان را رئیس قوه قضائیه به مجلس شورای اسلامی معرفی می نماید و نمایندگان مجلس آنان را برای شش سال برمی گزینند.

وظایف شورای نگهبان چنین است: بررسی انطباق مصوبات مجلس با موازین اسلام و قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی، نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری و ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی و نیز نظارت بر مراجعه به آراء عمومی و همه پرسی.

قوه مجریه

رئیس جمهور

پس از رهبر، رئیس جمهور عالی ترین مقام رسمی کشور است که از میان رجال مذهبی و سیاسی، به مدت چهار سال و با رأی مستقیم مردم انتخاب می شود. وی باید دارای این ویژگی ها باشد: اصل ایرانی، تابعیت ایرانی، مدیریت و تدبیر، حسن سابقه و امانت و تقوا، ایمان و اعتقاد به

مبانی جمهوری اسلامی ایران و مذهب رسمی کشور. وظایف رئیس جمهور عبارت است از: اجرای قانون اساسی، ریاست قوه مجریه جز در اموری که مستقیماً به رهبر مربوط می شود، تعیین و عزل وزیران و سفیران، اداره امور برنامه و بودجه و اداری و استخدامی کشور، امضای عهدنامه ها و مقاوله نامه ها و موافقت نامه ها و قراردادهای دولت ایران با دیگر دولت ها و پیمان های مربوط به اتحادیه های بین المللی پس از تصویب مجلس شورای اسلامی.

پس از تنفيذ حکم رئیس جمهور از جانب رهبر، وی برای پاسداری از مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی، خدمت رسانی به مردم، و ترویج دین و اخلاق، در مجلس شورای اسلامی سوگند یاد می کند. او می تواند برای انجام دادن وظایف قانونی خود معاونانی برگزیند. معاون اول رئیس جمهور با موافقت وی، اداره هیئت وزیران و مسئولیت هماهنگی دیگر معاونت ها را عهده دار است. انتخاب دیگر بار رئیس جمهور به صورت پیاپی، تنها یک دوره ممکن است.

قوه قضاییه

قوه قضاییه نهادی است مستقل که رئیس آن را رهبر برای پنج سال تعیین می کند. رئیس این قوه، عالی ترین مقام قضایی است و باید این ویژگی ها را داشته باشد: اجتهاد، عدالت، آگاهی به امور قضایی، مدیریت و تدبیرگری. قوه قضاییه پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق عدالت است و مهم ترین وظایف آن از این قرار است: رسیدگی به دادخواهی ها و شکایت ها و صدور حکم درباره آنها، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات، احیای حقوق عامه، گسترش عدل و آزادی های

مشروع، نظارت بر حسن اجرای قوانین، کشف جرم، اجرای حدود و مقررات مدون جزایی اسلام، پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمان.

رئیس قوه قضائیه این وظایف را برعهده دارد: ایجاد سامانه و تشکیلات مناسب در دادگستری، تهیه لوایح قضایی متناسب با اهداف و برنامه های جمهوری اسلامی، به کار گماردن و برکناری قضات، نظارت بر دارایی رهبر و رئیس جمهور و معاونان وی و وزیران و همسر و فرزندان آنان پیش و پس از خدمت.

ص: ۶۶

بخش سوم: اهداف و راهبردهای جمهوری اسلامی ایران

اشاره

ص: ۶۷

اهداف

وجود انسان در دو ساحت جان و تن نمود می یابد و آن چه هویتش را جلوه می دهد، روح او است. او در حقیقت وجود خویش، دارای مراتب است و می تواند به اختیار خود، در این مراتب راه صعود پیماید و به کمال رسد؛ و کمال طلبی و کمال پذیری او پایان ندارد. انسان در این پویه کمال جویانه، به سوی خداوند روی دارد که کمال مطلق است؛ پس در همه فعالیت ها و رفتارهای اختیاری خود قرب به خدا را قصد می کند.

این قرب، زمانی و مکانی نیست؛ بلکه می توان آن را با آثار وجودی اش تبیین کرد. از آثار قرب به خدا، آن است که انسان پرده های میان خود و خدا را کنار زند و در نهایت، با علم حضوری دریابد که یکپارچه نیازمند خدا و عین ربط به او است. بر این اساس، هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی چیزی جز قرب اختیاری به خداوند متعال نیست.

هدف های میانی تعلیم و تربیت چنین است: ارتقای سطح دانش و

بینش و تفکر و خلاقیت افراد، دستیابی به فضیلت‌ها و مکارم اخلاقی و مهارت‌های زندگی، رشد همه‌جانبه و متوازن استعدادهای آدمی در عرصه‌های مختلف ارتباط با خدا و ممنوعان و طبیعت. نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی به دنبال این است که انسان تربیت یافته در این نظام، فردی مومن، آگاه و پرهیزگار باشد. اسرار و زیبایی‌های جهان آفرینش و قوانین طبیعت را نشانه جمال و جلال خداوند بداند و هم‌زمان حضور مؤثر و سازنده در زندگی اجتماعی داشته باشد.

راهبردها

۱- تربیت توحیدی

برای دست یافتن به شخصیت مطلوب اسلامی، باید نگرش ایمانی در ذهن و جان فرد شکوفا شود. با این نگرش، انسان درمی‌یابد که همه جهان بر مدار باری تعالی می‌گردد؛ آغاز و انجام هر چیز او است؛ و همه آفریدگان جهان به او نیازمندند. جایگاه این نگرش چنان والاست که بر همه باورها و رفتارهای آدمی سایه می‌افکند و شخصیت او را هماهنگ با این عقیده، قوام و کمال می‌بخشد. کارکرد و آثار فردی و اجتماعی این نگرش، چنان گسترده و ژرف است که الگوی تربیتی اسلام، تأکیدی چشمگیر بر آن دارد و می‌توان آن را اصلی‌ترین راهبرد تربیتی اسلام دانست. این نوع تربیت راه را بر پیدایش انبوهی از ناهنجاری‌های اجتماعی و بیماری‌های روانی می‌بندد و سرچشمه بسیاری از کمال‌های انسانی است. بر این اساس، نظام جمهوری اسلامی ایران، سیاست‌ها و برنامه‌هایش را به گونه‌ای سامان می‌دهد که ایمان و نگرش توحیدی، ذهن و جان انسان‌ها و محیط علم و فرهنگ جامعه را سرشار سازد.

۲- فضا سازی معنوی

برای دستیابی به اهداف تربیت اسلامی، باید جامعه فضایی سالم داشته باشد تا با تشویق و بازدارندگی مناسب، بستر رشد و شکوفایی افراد فراهم شود. این فضا تنها در سایه سلامت، احساس مسئولیت، و تعامل هماهنگ همه عوامل و نهادهای نقش آفرین در تعلیم و تربیت، پدید می آید. پس باید همه این عوامل با حرکتی هماهنگ، راه تربیت توحیدی را هموار کنند تا زمینه تعالی شخصیت و هویت اسلامی - ایرانی فراهم شود. نهادهایی مانند مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه، که تربیت تمام یا جزئی از رسالت آنهاست، به طور مستقیم در جریان تربیت نقش دارند. نیز عواملی هستند که کارکرد اصلی آنان تربیت نیست، اما به سبب نقشی که در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی دارند و نیز به سبب آثاری که بر تربیت گران و تربیت پذیران می گذارند، در شمار عوامل مؤثر تربیت شناخته می شوند. حکومت، فرهنگ، رسانه، و خانواده مهم ترین عوامل از این نوع هستند که با جهت گیری های خود در فرایند تربیت نقش دارند. هر قدر این عوامل هماهنگ تر و همسو تر رفتار کنند، تعلیم و تربیت به هدف خود نزدیک تر خواهد شد.

اگر دانش و فضیلت های اخلاقی، ارزش یابند و عوامل و نهادهای مؤثر بر تعلیم و تربیت، قدر یابند و بر صدر نشینند، معنویت در جامعه رشد بیشتری خواهد یافت. پس والاسازی منزلت اجتماعی نقش آفرینان تعلیم و تربیت و گستراندن دانش و فضیلت های اخلاقی در جامعه اسلامی، اهمیتی ویژه دارد.

۳- تربیت پیشگیرانه

در نظام تربیتی اسلام، پیشگیری از جرم و گناه در اولویت است؛

زیرا بازده بیشتر و هزینه مادی و معنوی کمتری دارد. اگر برنامه های تربیتی به گونه ای سامان یابد که لغزش و گناه به کمترین اندازه برسد، دستیابی به هدف های تربیتی آسان می شود.

۴- تأکید بر تعلیم و تربیت در کودکی

باورها، گرایش ها، و ویژگی های فردی و اجتماعی هر کس، که شخصیت او را بنیان می نهد، در کودکی پایه ریزی می شود. تعلیم و تربیت در این مرحله به آسانی پیش می رود و پایداری و بازدهی بیشتری دارد. از این رو، جمهوری اسلامی ایران بر تعلیم و تربیت در کودکی تأکیدی بسزا دارد.

۵- مشارکت همگانی

مشارکت همگانی، راه تعلیم و تربیت را هموار، استعدادها را شکوفا، نوآوری را پدیدار و هدف های تربیتی را در جامعه نهادینه می کند. بهره گیری از نیروی عظیم مردم و اعطای نقش به دلسوزان و مشتاقان تعلیم و تربیت، جامعه را از خلاقیت ها و طرح های بدیع بهره مند می کند. مشارکت مردم در انجام دادن فریضه همگانی امر به معروف و نهی از منکر، در جهت تحقق نظام تربیتی اسلام اهمیت می یابد.

۶- تأکید بر نقش تربیتی خانواده

خانواده، سرچشمه آرامش روانی و محبت میان اعضای جامعه، و مؤثرترین نهاد در انتقال زبان، فرهنگ، ادب و اخلاق است. انسان در خانواده چشم به جهان می گشاید، در دامن مهرخیز مادر و زیر سایه حمایت مهربار پدر به بلوغ می رسد و حساس ترین دوران فراگیری را

سپری می کند. در دوره های پسین رشد، که عواملی دیگر هم در تربیت فرد مؤثر است، خانواده همچنان نقشی برجسته دارد. در نظام اسلامی، بیشترین مسئولیت تعلیم و تربیت بر عهده خانواده است. خانواده وظیفه دارد زمینه شکوفایی استعداد های فرزندان را فراهم سازد، باورها را ژرفا بخشد، معارف و اخلاق اسلامی و احکام شرعی را به فرزندان بیاموزد، و آداب اجتماعی و تجارب مهم زندگی را به آنان انتقال دهد. پس جمهوری اسلامی به تحکیم نهاد خانواده و اعتلای نقش تربیتی آن اهتمام ویژه دارد.

۷- استفاده از ظرفیت های تربیتی نهادهای دینی

مسجد، تکیه، حسینیه و زیارتگاه، جایگاه اقامه نماز، انس با قرآن، تبلیغ دین و هدایت مردم، وعظ و خطابه، آموزش معارف اسلامی، تحقیق و مطالعه و تعلیم و تربیت است. فضای معنوی این مکان ها، نقش محوری شخصیت معنوی امام ها و امامزادگان در زیارتگاه ها، و حضور امام جماعت صالح و عادل در مساجد و حسینیه ها، از عوامل مهم تأثیر تربیتی این نهادهاست. مردم شورمندانه در این مکان ها حضور می یابند و به کسب معارف اسلامی و تزکیه نفس می پردازند. جمهوری اسلامی در مسیر دستیابی به اهداف تعلیم و تربیت، خواهان تقویت جنبه های عبادی، آموزش دینی، توانمندسازی متولیان و کانون های پیوسته به این مکان هاست.

۸- افزایش خودباوری و تقویت هویت اسلامی - ایرانی

از مهم ترین شرط های پیشرفت هر فرد و جامعه، اعتماد به نفس و خودباوری است. التفات آدمی به قابلیت های خود و تلاش برای شکوفا

سازی آن، به نهادینه شدن فرهنگ خودباوری می انجامد و جامعه را در پیمودن راه ترقی و کمال توانمند می سازد. جمهوری اسلامی ایران با هدف ارتقای خودباوری آمیخته با ایمان و توکل به خداوند، در تقویت هویت اسلامی - ایرانی افراد جامعه کوششی بسزا دارد.

۹- ترویج و تقویت فرهنگ خلاقیت و نوآوری

جامعه همواره با نیازها و خواسته های تازه روبرو است و برای تضمین پایداری خود، باید نیازهای تازه را خلاقانه پاسخ دهد. ترویج فرهنگ خلاقیت و نوآوری در همه عرصه های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، و اجتماعی راهبردی است که هم جامعه را برای رویارویی با چالش های نو توانمند می سازد و هم استعدادهای نهفته را شکوفا می کند و فرصت های تازه را در اختیار همگان قرار می دهد.

ص: ۷۴

دانش و فناوری های نو با نگرش مادی و بر پایه مبانی و مفاهیم معرفت شناختی، هستی شناختی، انسان شناختی، و ارزش شناختی تمدن غرب شکل گرفته اند و دربردارنده ارزش هایی چون جدایی علم از دین و اخلاق، و عقلانیت و خردورزی از معنویت است. پس ناسازگاری با فرهنگ های بومی و چیرگی بر کشورها یکی از جهت گیری های اساسی آن است. افزون بر این، ماهیت مادی فرهنگ غرب و غلبه سوداگرایی بر آن، موجب تضعیف ارزش های اخلاقی و معنوی و نابودی منابع، امکانات و محیط زیست بشری است.

تولید دانش و فناوری در جوامع اسلامی با نگرش الهی، پیشینه ای درخشان دارد و هدف آن توانا ساختن بشر برای دستیابی به سعادت همه جانبه است. با آغاز چیرگی غرب، این جوامع آرام آرام از فرهنگ بومی فاصله گرفتند و اغلب واردکننده علوم و فناوری های تقلیدی، ناسازگار با منابع بومی، غیرمرتبط با نیازهای اساسی آنان، اسراف گرا، غیرمولد، و تخریب گر شدند.

از دیدگاه جمهوری اسلامی ایران، دانش و فناوری تنها هنگامی مفید است که هم در نظریه پردازی و هم در جهت گیری، از ارزش های اسلامی سیراب گردد؛ بر مبانی اسلامی استوار شود؛ و لایه ها و مراتب معرفتی متنوعی داشته باشد، به گونه ای که بنیان های معرفتی نهادهای گوناگون اجتماعی را فراهم آورد و نیازهای معنوی، مادی، نظری، کاربردی، و اجرایی مردم این روزگار را پاسخ گوید.

اهداف

تولید و توسعه دانش و فناوری بر پایه آموزه های اسلامی، سامان دهی علوم اسلامی، رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه، اعتلای کیفیت زندگی همراه با حفظ کرامت انسانی و اخلاق اسلامی، و دستیابی به مرجعیت علمی در جهان.

راهبردها

۱- ارائه نظریه های اسلامی

تولید فکر دینی ژرف و مستدل بر اساس آموزه های اسلامی و عرضه پیوسته آن به مراکز علمی - پژوهشی، جامعه اسلامی را به سمت جهت گیری های مطلوب علم رهنمون می سازد و به هدف های تولید علم و فناوری نزدیک می کند. سامان دهی علوم اسلامی و چیره ساختن ارزش های اخلاقی بر فضای فکری جوامع علمی، از راهبردهای اساسی جمهوری اسلامی است.

۲- بهره گیری از میراث علمی

در مسیر تولید دانش و دستیابی به مرجعیت علمی در جهان، توجه

به سرمایه های ایرانی - اسلامی و بهره گیری از میراث دانش گذشتگان و انتقال فرهنگ و هویت تاریخی به نسل آینده دانشوران، وجهه همت جمهوری اسلامی است.

۳- ایجاد فضای علمی سالم

باید در عرصه تحقیق و تولید دانش، فضایی سالم برانگیخت. این مهم با پرهیز از انحصارگرایی و سیاست زدگی در محیطهای علمی، و احساس توانمندی و شهامت در تولید دانش، ممکن می شود. بر این اساس، جمهوری اسلامی بر تقویت روحیه خودباوری، عزت و اعتماد به نفس، نشاط، تلاش پیوسته، شور و غیرت دینی، غرور و سرافرازی ملی، ایستادگی بر اصول، تسلیم ناپذیری در برابر دشمن، اعتماد به پژوهش گران داخلی، و مدیریت جامعه علمی بر پایه اصل شایسته سالاری تأکید می ورزد.

۴- حمایت از نخبگان و نوآوران

یکی از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در قلمرو علم و فناوری، حمایت هدفمندانه مادی و معنوی از نخبگان و نوآوران این عرصه، به منظور تشویق به تحقیق، خلاقیت و نوآوری، بالندگی منزلت اجتماعی، افزودن توان علمی و مهارتی، و رفع دغدغه خطرپذیری است.

۵- تعامل پویا با مراکز علمی جهان

برقراری ارتباط با مجامع علمی بین المللی و تعامل پویا با آنها در فرآیند تولید و تبادل علمی، در گسترش دانش و فناوری میان ملت ها نقشی درخور دارد و به آنان یاری می رساند تا به آخرین یافته ها در

زمینه های مختلف دست یابند و از انحصار علمی رها شوند. بر این پایه، جمهوری اسلامی ایران به برقراری و گسترش پیوند با مراکز علمی جهان و تعامل پویا و تبادل آگاهی و تجربه میان این مراکز و دانشوران، به ویژه در میان کشورهای اسلامی، تاکید می ورزد.

۶- هماهنگی علم و فناوری با نیازهای جامعه و تجاری سازی آن

مجامع و محیطهای علمی و دانشگاهی در جامعه اسلامی باید با حوزه های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی پیوند پویا داشته باشند تا بتوانند محصولاتی هماهنگ با نیازهای مردم تولید کنند و بر ثروت و سرمایه مادی و معنوی جامعه بیفزایند. بر این اساس، بهره گیری از علم و فناوری برای برآوردن نیازهای جامعه و تجاری سازی آن در جهت تولید ثروت و نیز استفاده از ثروت مشروع برای پیشرفت علم و فناوری - به گونه ای که علم و ثروت هم افزایی داشته باشند - در کانون اهتمام جمهوری اسلامی ایران است.

اهداف

هدف های فرهنگی - اجتماعی نظام جمهوری اسلامی ایران از این قرار است: ژرفابخشی به ایمان و معرفت و بصیرت دینی افراد جامعه، نهادینه کردن فضیلت های اخلاقی، انطباق الگوهای رفتاری جامعه با ارزش های اسلامی، و تحقق عدالت اجتماعی.

راهبردها

۱- توحید محوری در جامعه اسلامی

محور فرهنگ دینی، ایمان به یگانگی خدا و بندگی در پیشگاه اوست. هدف نهایی نظام اسلامی، تحقق جامعه توحیدی است که در آن، اثری از شرک و نفاق نباشد.

۲- عدالت خواهی، ظلم ستیزی و استقلال طلبی

پاره ای از راهبردهای اساسی برقراری عدالت را در روابط اجتماعی

می توان چنین برشمرد: برابری افراد جامعه در پیشگاه قانون، ایجاد فرصت های برابر برای رشد مادی و معنوی همگان، و مبارزه همه جانبه با هر گونه ستم، فساد، تبعیض، فاصله طبقاتی، استثمار، خودکامگی، زیاده خواهی، امتیازطلبی، و قانون شکنی. اسلام خواهان برپایی جامعه ای مستقل، توانمند، عزت مند، و برخوردار از آزادی های مشروعی است که در پرتو گسترش عدالت فراهم می آید.

۳- اخلاق مداری در روابط اجتماعی

در جامعه اسلامی، روابط اجتماعی بر پایه تلاش همه جانبه برای استقرار ارزش ها و فضیلت های اخلاقی در زندگی فردی و اجتماعی سامان می یابد. مهم ترین راهکارهای تحقق اخلاق در جامعه اسلامی از این قرار است: گسترش صداقت، توکل به خداوند، اعتماد به نفس، امانت داری، ایثارگری، عفو و گذشت، وفای به عهد، مسئولیت پذیری، خیرخواهی، پایبندی به وجدان کار، نظم و انضباط اجتماعی، نشاط و سرزندگی، قدرشناسی، انعطاف پذیری، بردباری، استواری، حفظ کرامت انسان ها و احترام به حقوق آنها، پرهیز از زشتی های اخلاقی همچون دروغ، غیبت، تهمت، ریا، فخرفروشی و کبرورزی، خیانت، نفاق، تزویر، فرصت طلبی، اسراف، تجمل گرایی، و اختلاف افکنی.

۴- جامعه پذیری بر پایه باورها و ارزش های اسلامی

در جامعه اسلامی، جامعه پذیری افراد بر پایه باورها، ارزش ها، هنجارها، نگرش ها، نمادها، آیین ها، و احساسات اسلامی و درون ریزی این مؤلفه ها در ساختار شخصیت مؤمنان صورت می پذیرد. در جمهوری

اسلامی ایران، هویت جامعه بر پایه فرهنگ، سنت ها، و ارزش های اسلامی - ایرانی استوار می شود.

۵- پیرایش پیوسته فرهنگ دینی

زدودن غبار مهجوریت از سیمای دین، اصلاح انحرافات به وجود آمده در رفتار دینداران، و پیرایش و بازخوانی گزاره ها و آموزه های دینی برای مقابله با خرافه و بدعت و تحریف چهره دین، و عنایت به جنبه های مغفول، به سلامت و کار آیی جامعه دینی کمک می کند. هم زمان تلاش می شود تا ظرفیت های فرهنگ ساز آموزه های دینی از منابع معتبر اسلامی برگرفته شود و به کار آید.

۶- ترویج امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، فریضه دینی یکایک مردم و مهم ترین سازوکار مراقبت اجتماعی است. دولت اسلامی در مقام برنامه ریزی و اجرا، وظیفه دارد معروف را در جامعه بگسترده و منکر را از آن بزدايد. گسترش معروف و زدودن منکر در جامعه، و امدار نهادینه کردن مبانی دینی و اقناع افکار عمومی است.

۷- جریان سازی فرهنگی و مبارزه با تهاجم فرهنگی

به کارگیری فرهنگ و عناصر فرهنگی، مهم ترین شیوه ای است که استکبار جهانی برای دستیابی به مقاصد سلطه طلبانه خود در پیش گرفته است. فرهنگ، والاترین عنصر سازنده هر جامعه است. پس نه تنها باید در برابر هجوم فرهنگی استکبار ایستاد، بلکه باید با تقویت فرهنگ

خودی و جریان سازی پویای فرهنگی، فرصت هجوم به فرهنگ اسلامی و ملی را از دشمنان بازستاند.

۸- استوارسازی نهاد خانواده

خانواده که با پیمان زناشویی میان زن و مرد شکل می گیرد، واحد بنیادین جامعه و طبیعی ترین نهاد اجتماعی شمرده می شود. زن و مرد، که دو رکن اصلی خانواده هستند، وظایف، نقش ها، و کارکردهای هماهنگ با طبیعت و فطرت خویش دارند. خانواده، نمادی از جامعه است و می توان در آئینه توفیق یا شکست آن، وضع و حال مجموع جامعه را نگریست. استواری و سلامت خانواده، پایداری و سعادت جامعه را در پی دارد. جمهوری اسلامی ایران برای استوارساختن نهاد خانواده، این امور را دنبال می کند: بنا نهادن روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی، هموار کردن راه ازدواج، پاسداری از حریم حیا و عفت، تقویت رابطه خویشاوندی، و عنایت به محور قرار دادن خانواده در امر اشتغال.

۹- تقویت جایگاه زن و نقش مادری

زن با نقش عظیم تربیتی اش در خانواده، تأثیری شگرف بر جامعه پذیری دینی و اخلاقی افراد جامعه دارد. بر این اساس، در نظام فرهنگی - اجتماعی اسلام، فعالیت های اجتماعی و اشتغال زنان به تناسب تفاوت های طبیعی زن و مرد تنظیم می گردد تا نقش والای زن و جایگاه مادری او پاس داشته شود. مرد، عهده دار تامین معاش است تا زن فراغت مندانه به نقش تربیتی خود بپردازد. نیز اشتغال زنان بر اساس ضرورت و نیازهای فردی و اجتماعی توجیه پذیر است. مهم ترین کارکردهای مادر در خانواده عبارت است از: تربیت و پرورش روحی و

جسمی فرزندان که خداوند شایستگی زادنشان را به او عطا کرده، تأمین آرامش خانواده، انتقال فرهنگ و زبان و ادب به خانواده و جامعه، تدبیر کارهای خانه.

۱۰- توجه ویژه به جوانان در امور اجتماعی

توجه به جایگاه ویژه جوانان در روابط و مناسبات اجتماعی، ضرورتی برخاسته از آموزه های اسلامی است. جوان در تحول و تکامل جامعه بشری نقشی چشمگیر دارد. جامعه آن گاه رو به سوی پیشرفت خواهد داشت که بستر کار و ابتکار برای جوانان فراهم آید و از کاوش ها و کوشش های آنان در عرصه اجتماع بهره گرفته شود و هم زمان، به نیازها و انتظارات آنان التفات گردد.

۱۱- تأکید بر نقش مساجد

مسجد از محبوب ترین مکان ها نزد خداوند، جایگاه عبودیت و بندگی پروردگار، و مهم ترین میراث فرهنگ و هنر جهان اسلام است. مسجد کانونی برای ستیز با ستم؛ و مرکزی برای پرورش و هدایت انسان ها است. مسجد جایگاهی شایسته برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر و سامان دادن به انجمن های مردمی برای مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی است. مسجد پایگاهی شایسته برای برگزاری آیین های نیکوی اجتماعی، تصمیم گیری در امور عمومی، برآوردن نیازهای مردم، تعاون اجتماعی، و جامعه پذیری دینی است. تربیت یافتگان کانون خانواده در مسجد گرد هم می آیند و از سرچشمه فیاض معنویت آن بهره می گیرند. بدین سان، در مسجد آرامش روانی آنان به کمال می گراید و ناهنجاری ها و چالش های اجتماعی شان از میان می رود. پس در فرهنگ

اسلامی، مسجد قلب شهر به شمار می رود و باید در نظام شهرسازی و روابط اجتماعی، به جایگاه آن توجه ویژه شود. جمهوری اسلامی برای تقویت بعد عبادی، کارکردهای فرهنگی و اجتماعی، رشد کانون ها و نهادهای فرهنگی - اجتماعی پیوسته به مسجد، و فزون سازی توان و برکات آن می کوشد.

۱۲- استفاده مؤثر از رسانه در تبلیغ فرهنگ اسلامی

در نظام جمهوری اسلامی، رسانه در خدمت استمرار رسالت انبیاست و نقش آگاهی بخشی و هدایت گری دارد. در این نگاه، رسانه به منزله مربی و مخاطب آن در جایگاه تربیت پذیر است. از این رو، پیام رسانه در نظام اسلامی، در جهت آراستن جامعه به الگوها و نمادها و شعائر مستند به آموزه ها و ارزش های اسلامی، تعالی فرهنگ جامعه، ارشاد افکار عمومی، گسترش و اوج بخشی به هنر متعهد، و ایجاد زمینه های رشد فکری مخاطبان است.

۱۳- وحدت و همبستگی اجتماعی بر محور دین

همبستگی افراد جامعه، همگام با محیط اجتماعی، شرط تداوم حیات آن جامعه است. این مهم هنگامی حاصل می شود که اعضای جامعه بر پایه هدفی مشترک، از پاره ای خواسته های شخصی خود به نفع مصالح جمعی چشم پوشند. دین، باورهای مذهبی، و شخصیت های دینی در ایجاد این وحدت و همبستگی اجتماعی نقشی بسزا دارند.

در نظریه اسلامی، سامان دهی نظام سیاسی - اجتماعی و ایجاد وفاق و همبستگی اجتماعی بر محور توحید، چنگ زنی به ریسمان الهی، و پیروی از اسوه حسنه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم علیهم السلام شکل می گیرد. بر

این اساس، قرآن کریم مؤمنان را به وحدت و همبستگی اجتماعی فراخوانده و از تفرقه و پراکندگی پرهیز داده است.

۱۴- پیشگیری از آسیب های اجتماعی و حمایت از آسیب دیدگان

پیشگیری از آسیب های اجتماعی، هزینه های مادی و معنوی جامعه را در راه دستیابی به محیطی پاک و سالم کاهش می دهد. یاری به محرومان، فقیران، یتیمان، معلولان، و دیگر آسیب دیدگان، زمینه انحراف و کجروی را از میان می برد. مهم ترین راه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی از این قرار هستند: تقویت باورهای دینی و ارزش های اخلاقی برای افزایش عزت نفس، خودباوری و کرامت انسانی، تلاش برای پاسخ گویی شایسته به هیجان ها و نیازهای دوره جوانی، برانگیختن هیجان های مثبت در جوانان، تعدیل انتظاراتها، و تعریف الگوی زندگی در سطحی که جوان میان وضع موجود و مطلوب رابطه ای منطقی برقرار کند.

۱۵- ارتقای بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه

تأمین بهداشت و سلامت جسمی و روانی افراد جامعه، از شرطهای اساسی شکوفایی استعدادها و رشد خلاقیت و تعالی مادی و معنوی است. افزایش دانش و آگاهی عمومی، تغذیه سالم، و گسترش فرهنگ ورزش همگانی، از مهم ترین راه های ارتقای بهداشت جسمی و روانی افراد جامعه است.

اشاره

در جمهوری اسلامی ایران، مبنای اصلی حقوق، که اصول کلی آن در قانون اساسی تجلی یافته، اراده تشریحی و حکیمانه الهی است.

خداوند حکیم، یگانه آفریدگار و صاحب اختیار انسان و نظام هستی است و انسان را آن چنان که «هست» و «باید باشد» می شناسد. پس تنها اوست که در هر دو قلمروی تکوین و تشریح، حق و شایستگی تعیین حقوق و تکالیف و قانون را برای انسان و جهان دارد. خداوند در این کار، واقعیت های وجود انسان و جهان و مجموعه مصلحت های فردی و اجتماعی، مادی و معنوی، و دنیوی و اخروی او را در نظر دارد. استواری نظام حقوقی اسلام بر اراده تشریحی و حکیمانه خداوند، سبب می شود که عقل سلیم و فطرت پاک، آن را به آسانی درک کند و بپذیرد.

اهداف

هدف عالی و نهایی نظام حقوقی اسلام، همچون دیگر نظام های فردی و اجتماعی اسلامی، راهبری انسان به حیات طیبه و سعادت

جاودانه است. از دیگر اهداف این نظام می توان به تحقق هم زمان نظم و عدل اسلامی برای فرد و جامعه اشاره کرد. از آن جا که حقوق اسلامی بر علم، عدل، و حکمت خداوند استوار است، در ذات قوانین آن، میان عدالت و نظم و مصالح فرد و جامعه همسازی و همگنی برقرار است.

راهبردها

۱- انطباق نظام حقوقی با شریعت اسلام

معیار مشروعیت قوانین حقوقی، پی ریزی آن بر پایه اراده تشریحی و حکیمانه خداوند است که در شریعت اسلام رخ می نماید. از این رو، کشف، تنظیم، ارائه و اجرای نظام اسلامی و هماهنگی با مقتضیات زمان و مکان، از رهگذر اجتهاد پویای فقیهان شایسته و اسلام شناسان متعهد و آگاه به زمان و نیز با بهره مندی از علوم و فنون و تجربه های بشری، مهم ترین وظیفه نظام حقوقی جمهوری اسلامی است.

۲- نظارت و کنترل ولی فقیه

همه مراحل کشف، تنظیم، ارائه و اجرای حقوق اسلامی باید با نظارت ولی فقیه، یعنی فقیه شایسته، عادل، پرهیزگار، آگاه به زمان، دلیر، مدیر و تدبیرگر انجام شود تا از سازگاری نظام حقوقی با شریعت اسلام اطمینان حاصل شود. برای دستیابی به این منظور، ولی فقیه هم به نظارت مستقیم می پردازد و هم از طریق شورای نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، دیوان عدالت اداری، یا نمایندگان ویژه خود، این وظیفه مهم را به انجام می رساند.

۳- نظارت و مشارکت همگانی

دستگاه قانون گذاری باید چنان عمل کند که حق حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش تحقق یابد و از رهگذر برگزاری انتخابات یا همه پرسی و تضمین مشارکت همگانی در تمام مراحل تصمیم گیری های سرنوشت ساز، این حق جاری گردد و راه بر هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی بسته شود.

۴- حفظ کرامت انسان

در جمهوری اسلامی قوانین به گونه ای وضع می شود که آبرو، جان، مال و حریم خصوصی افراد به بهترین گونه پاس داشته شود. اگر به کسی ستمی رود، حق دادخواهی در دادگاه های صالح را دارد و اگر بی گناهی به حکم قانون، دستگیر، بازداشت، زندانی، یا تبعید گردد، حیثیتش بازگردانده می شود و زیان های رسیده به وی جبران می گردد.

پس از دستگیری هر متهم، باید به او تفهیم اتهام نمود و هرگز نمی توان برای ادای شهادت یا سوگند یا اقرار، کسی را شکنجه کرد. متهم حق دارد برای دفاع از خویش یا احقاق حق خود، وکیل مدافع داشته باشد. در هر حال، اصل بر برائت متهم است، مگر آن که جرم او در دادگاه صالح اثبات شود.

۵- پاسداری از آزادی های مشروع

دستگاه قانون گذاری در جهت پاسداری از آزادی های مشروع، باید بر آزادی فرد و رفتارهای مشروع او تاکید ورزد تا هیچ کس، حتی دولت، نتواند - جز در موارد بسیار نادر - آزادی های مشروع او را محدود کند. نیز باید رفتارهای نامشروع را چنان محدود و ممنوع سازد که کسی

نتواند به اسم آزادی، به آنها نزدیک شود. آزادی بیان در رسانه ها، آزادی تأسیس تشکل های سیاسی و صنفی و دینی و عضویت در آنها، آزادی برپایی همایش ها و راه پیمایی ها و مانند آنها، محترم است، مشروط به آن که با این اصول سازگار باشد: رعایت موازین اسلام، عدم اخلال در مبانی اسلام و حقوق عمومی و مصالح کشور، حفظ استقلال و آزادی و وحدت ملی و سیاسی جمهوری اسلامی.

۶- احترام به ادیان توحیدی و آزادی عقیده و رفتار مذهبی

دین اسلام و مذهب شیعه دوازده امامی، دین و مذهب رسمی جمهوری اسلامی است که بر اساس آموزه های آن، دیگر مذاهب اسلامی و ادیان توحیدی از احترام کامل برخوردارند. قانون گذار باید با وضع قوانین مناسب، آزادی رفتار مذهبی را برای پیروان دیگر مذاهب، در چارچوب شرع، تضمین نماید و راه را بر تفتیش عقاید و مجازات به صرف داشتن عقیده ببندد.

۷- پالایش و شفاف سازی قوانین

نهادهای قانون گذار باید به گونه ای قانون وضع کنند که با کاستن از مقررات بیهوده و دست و پاگیر، امور اداری و اجرایی سهل و روان گردد و نیز حقوق و تکالیف همگان چنان شفاف شود که سوء استفاده از آنها سخت و حتی ناممکن گردد.

۸- رویکرد اخلاقی، تربیتی و پیشگیرانه

در وضع قوانین، به ویژه قوانین خانواده، بر حفظ و تقویت ارزش های دینی و اخلاقی تأکید می شود. این رویکرد در حقوق کیفری و قوانین مربوط

به تعزیرات، نیز جریان می یابد. بنابراین، در جمهوری اسلامی اجرای قوانین به گونه ای سامان می یابد که از وقوع جرم پیشگیری کند.

۹- به کار گرفتن قضات عادل و مجتهد

برای احقاق حقوق و فصل خصومات بر پایه عدل اسلامی، باید قضات مجتهد عادل و مسلط بر حقوق و موازین قضای اسلامی را به کار گرفت. این قاضیان با فهم قوانین موضوعه منطبق با شریعت، اجرای قضایی آنها را هموار می کنند و حتی اگر در موردی قانون در کار نباشد، با اجتهاد پویا و روشمند، به صدور حکم می پردازند و از اطلاع دادرسی پیشگیری می کنند.

ص: ۹۱

بر پایه آموزه های اسلامی، اقتصاد هدف نیست، بلکه ابزاری برای پیش بردن انسان در مسیر کمال و سعادت است. نظام جمهوری اسلامی ایران در راه دستیابی به سعادت انسان و تحقق حیات طیبه، به دنبال پیشرفت و تعالی، استقلال و عدالت اقتصادی در جامعه است.

۱- پیشرفت و تعالی

پیشرفت و تعالی، حرکتی پیوسته در چارچوب شرع، برای تحقق عمران و آبادانی با رعایت ارزش های الهی و اخلاق اقتصادی است. عمران و آبادانی ثمره فعالیت و کوشش همگانی و افزایش ظرفیت های تولیدی و خدماتی جامعه، برای استفاده بهینه و مسئولانه از نعمت های الهی است.

ارزش های الهی و اخلاق اقتصادی، هنگامی در جامعه جلوه گر می شود که ارزش هایی مانند کار و تلاش، صرفه جویی و اعتدال، انفاق و

ایثار، و مشارکت عمومی در فعالیت های اقتصادی نهادینه شوند. بر این اساس، پیشرفتی مطلوب است که در کنار رشد مادی، تعالی معنوی و کرامت انسان را پاس دارد.

۲- استقلال اقتصادی

در ساحت اقتصاد، استقلال به معنای اتکا به منابع، نیروها، و دانش بومی برای دستیابی به توانمندی اقتصادی و نفی سلطه بیگانگان، در کنار تعامل سازنده و پویا با دیگر کشورهاست.

۳- عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی، یعنی ایجاد فرصت های برابر برای یکایک افراد در بهره مندی از امکانات موجود، پرداخت سهم عوامل تولید بر اساس میزان استحقاق، تامین نیازهای اساسی همگان برای برخورداری از زندگی شرافتمندانه و پیشگیری از دست به دست شدن ثروت میان توانگران که به فقر عمومی و شکاف عمیق طبقاتی می انجامد.

راهبردها

۱- پذیرش انواع مالکیت

نظام اسلامی انواع مالکیت خصوصی، عمومی، و دولتی را به رسمیت می شناسد و بدین سان، زمینه تلاش برای عمران و آبادانی و دستیابی به تعالی و پیشرفت و عدالت را فراهم می آورد. احترام به حق مالکیت افراد، انگیزه های آنان را برای فعالیت های اقتصادی می افزاید. مالکیت خصوصی در چارچوب حدود و مقررات الهی، در خدمت تحقق

دیگر اهداف نیز هست؛ زیرا مالکیت انسان امری اعتباری است و مال و ثروت، امانتی خداداد در دست اوست.

۲- تشویق به تولید و سرمایه گذاری

خداوند با فراهم آوردن زمینه فعالیت و تلاش انسان، او را به تصرف در زمین و انجام فعالیت های اقتصادی برانگیخته و وظیفه عمران و آبادانی زمین را بر عهده او نهاده است. بر این اساس، کناره گرفتن از دنیا و راکد گذاشتن دارایی، کاری است ناستودنی؛ و برآوردن نیازهای جامعه، واجب کفایی؛ و فعالیت سالم اقتصادی، نوعی عبادت به شمار می رود. از این رو، تقویت روحیه توکل به خدا و اعتماد به نفس و خودباوری، گسترش فرهنگ کار و مسئولیت پذیری، در کنار فراهم ساختن زمینه های تولید، وجهه همت نظام جمهوری اسلامی است.

۳- تولید دانش و فناوری و ارتقای سرمایه انسانی

جمهوری اسلامی برای پیمودن مسیر پیشرفت و تعالی همراه با عزت و اقتدار، مصمم است ایران را به بلندترین جایگاه علم و فناوری برساند. شکوفاسازی استعدادها، افزایش توان علمی و تقویت نظام اطلاعاتی کشور با استفاده از فناوری پیشرفته، موجب افزایش بازدهی، کاهش هزینه ها و پیشرفت اقتصادی است. بر این اساس، نظام اسلامی منزلت والای دانشمندان متعهد و دانش پژوهان را پاس می دارد و در تربیت نیروی انسانی متخصص و توانا در رشته های علمی و ارتقای دانش و مهارت آنان می کوشد.

۴- فراهم آوردن زمینه اشتغال

فراهم ساختن زمینه اشتغال و کسب درآمد برای همگان، سبب می شود

که همه به زندگی شرافتمندانه روی آورند و نیازهای اصلی خود، همچون خوراک، پوشاک، مسکن و آموزش و بهداشت را از رهگذر تلاش سالم برآورند. بدین سان، از فرصت کافی برای پرداختن به امور معنوی و اخلاقی، تقویت رابطه خویشاوندی، و تفریح و سرگرمی مفید نیز برخوردار می شوند. این راهی برای رسیدن به رشد و تعالی و عدالت اقتصادی است. از این رو، نظام جمهوری اسلامی می کوشد با سازوکارهای شایسته، فرصت های شغلی مناسب برای همگان فراهم سازد تا هر کس به فراخور تلاش و نیاز خود از امکانات اقتصادی بهره مند شود.

۵- تقویت انگیزه های معنوی

بر پایه سنت الهی، هرگاه آدمیان به ایمان و تقوا و شکر نعمت ها بیافزایند، برکت های آسمان و زمین نیز افزوده می شود. کفران نعمت، روی گردانی از خداوند؛ و تکذیب آیات الهی، موجب کاهش نعمت هاست. جامعه ای که ایمان آورد، تقوا پیشه کند و به خداوند توکل نماید، هرگز یأس و نومیدی به خود راه نمی دهد و در برابر ناگواری ها و بحران ها ایستادگی می کند. پس تقویت ایمان، آگاهی، حس مسئولیت پذیری و انگیزه های معنوی نیروی انسانی، به عنوان اساسی ترین عوامل تولید، موجب افزایش بهره وری نیز می شوند.

افزایش انگیزه معنوی برای فعالیت بیشتر اقتصادی، به گونه ای که تلاش برای کسب رزق حلال، عبادت شمرده شود، راه پیشرفت و تعالی را هموار می نماید. نظام جمهوری اسلامی ایران، با تقویت این انگیزه ها هم می کوشد تا آنها را به سوی کمال قرب ربوبی پیش برد؛ و هم سطح کار و تلاش و بهره وری را اوج می بخشد.

۶- تشویق اعتدال و صرفه جویی

در نظام اقتصادی، اعتدال در تولید و مصرف بسیار ستوده شده است. ویژگی اصلی امت وسط، به عنوان الگوی جامعه اسلامی، اعتدال و میانه روی است. اسراف، پدیده ای ناپسند و مایه فروافتادن جامعه به کج راهه است. پاره ای از نمونه های اسراف از این قرار هستند: هدر دادن منابع، رعایت نکردن تناسب و اندازه میان عوامل تولید، فعالیت های آسیب رسان به بهره وری، به هدر دادن سرمایه و عوامل تولید، بها ندادن به اولویت ها، به کار گرفتن مال در راه ناحق، و سپردن کار به نااهل. جمهوری اسلامی می کوشد که از این آفات پرهیز نماید.

تشویق اعتدال و قناعت و صرفه جویی، راهبردی اسلامی برای کاهش هزینه ها و پیشگیری از تقاضاهای غیرضروری است. این راهکار فرهنگی در کنار سازوکار قیمت با کاهش تقاضای کالاهای لوکس، و پیشگیری از اسراف و اتلاف، جامعه را تشویق می کند تا تنها به مصرف کالاهای ضروری روی آورد.

نظام اسلامی می کوشد با وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب، پیش گرفتن سیاست مقابله با اسراف، استفاده بهینه از امکانات، و دقت ورزی در مصرف بیت المال، جامعه را به رعایت الگوی صحیح تولید و مصرف برانگیزد تا مردم افزون بر تلاش برای برآوردن نیازهای شخصی، تأمین منافع ملی را از رهگذر اعتدال اقتصادی مسئولیت همگانی خود قلمداد کنند.

۷- ترویج سنت های حسنه

در کنار تشویق به تولید و ترویج اعتدال و صرفه جویی، باید

سنت های نیک همچون انفاق، قرض الحسنه، و وقف ترویج گردد تا درآمدها و منابع سرریز به تأمین نیازهای مستمندان سوق داده شود و موجب تزکیه روحی افراد گردد. این سنت ها، هم توزیع دیگر بار درآمد را سبب می شوند و جامعه را به عدالت نزدیک می کنند و هم در تأمین کالاهای عمومی و دستیابی به عمران و آبادانی کشور نقش دارند.

۸- برآوردن نیازهای اساسی

برآوردن نیازهای اساسی جامعه، به گونه ای که هر فرد از خوراک، پوشاک، مسکن، آموزش، و بهداشت کافی برخوردار باشد، در رشد و تعالی جامعه و تأمین عدالت نقشی اساسی دارد. نظام جمهوری اسلامی، برنامه ریزی برای تأمین این نیازها را از وظایف بنیادین خود می داند.

۹- تأمین و تکافل اجتماعی

در جمهوری اسلامی، تأمین اجتماعی بر دو اصل کفالت همگانی و مسئولیت دولت استوار است. همگان حق دارند که هنگام بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی سرپرستی، و در راه ماندگی، از تأمین اجتماعی بهره گیرند و اگر با رخداد و سانحه ای روبرو شوند، از خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی برخوردار شوند. تکافل اجتماعی به معنای مسئولیت متقابل همگان برای برآوردن نیازهای یکدیگر است. بر این اساس، افراد در حد توان خویش، برای زدودن فقر نیازمندان و احسان به دیگران، نفقات واجب و حقوق مالی خود را پرداخت می کنند. همه افراد جامعه از منابع و ثروت های طبیعی سهم دارند و نظام اسلامی از رهگذر فرهنگ سازی، ترغیب و تشویق، اجرای قانون، و نظارت، زمینه های تأمین و تکافل اجتماعی را فراهم می آورد.

۱۰- توزیع متوازن درآمد و ثروت

عدالت اقتصادی هنگامی معنا می یابد که معیشت متوسط برای فقیران تأمین گردد و از انباشته شدن نامتوازن ثروت در دست توانگران پیشگیری شود. وضع انواع مالیات، تقویت انگیزه های احسان و انفاق در افراد جامعه، و دستگیری از فقیران و محرومان، گام هایی در این سمت و سو است. برنامه ریزی و سیاست گذاری برای بهره برداری از منابع طبیعی، استفاده از امکانات عمومی و توزیع فعالیت های اقتصادی میان مناطق مختلف کشور، راهکاری است تا هر منطقه به فراخور استعداد خود، سرمایه ها و امکانات لازم را در اختیار گیرد.

۱۱- حذف ربا و تحول در نظام مالی

حذف کامل ربا از نظام اقتصادی، تنظیم سیاست های پولی، مالی و ارزی، تحول در نظام پولی بانکی و بیمه، و تقویت بازار سرمایه، راهبردهایی برای مهار نوسان ها و دستیابی به پایداری اقتصادی است. بهره مندی از فناوری های نو بر اساس موازین شرع، کارآیی، پاسخگویی به نیازها، تعامل با جهان خارج، و تقویت نظام های نظارتی در بخش پولی و مالی، از راهبردهای جمهوری اسلامی ایران در مسیر دستیابی به عمران و آبادانی و عدالت اقتصادی است.

۱۲- تقویت بازار و کاستن از دخالت دولت

جمهوری اسلامی به آزادی اقتصادی افراد احترام می نهد، مادام که بر خلاف ارزش های اسلامی و مصلحت های جامعه نباشد. در این حالت، دولت می تواند برای تأمین مصلحت جامعه، در اقتصاد دخالت کند؛ البته این دخالت، بیشتر بسترسازی برای فعالیت آزادانه اقتصادی توسط بازار و مردم

است. بدین سان، بخش خصوصی و دولت مکمل یکدیگرند.

از این رو، جمهوری اسلامی به این وظایف مهم اهتمام می ورزد: عنایت جدی به مشارکت مردم در فعالیت های اقتصادی، توانمندسازی بخش خصوصی و نظام بازار بر پایه ارزش های اسلامی، تقویت بخش تعاونی، نظارت بر بازار و تنظیم آن، ایجاد زمینه رقابت پذیری کالاها و خدمات کشور در بازارهای داخلی و خارجی، توسعه تجارت خارجی و صادرات خدمات فنی مهندسی و گسترش سرمایه گذاری در فراسوی مرزها.

ص: ۱۰۰

اهداف

هدف اساسی نظام سیاسی ج.ا.ا. هدایت جامعه به کمال و حیات طیبه است. نیل به این مهم در پرتو ایجاد هم زمان زمینه های رشد مادی و تعالی معنوی امکان پذیر است. از این رو، تأمین معیشت و ایجاد امنیت که هدف نهایی نظام های سیاسی متعارف به شمار می رود از جمله اهداف میانی نظام سیاسی ج.ا.ا. است. دستیابی به این هدف، در عصر غیبت در پرتو نظام مبتنی بر ولایت فقیه، اجرای قانون الهی در مناسبات سیاسی اجتماعی و حاکمیت ارزش های الهی چون عدالت محوری ممکن است.

راهبردها

۱- حاکمیت ارزش های الهی و ژرف بخشی باورهای توحیدی

برآیند سیاست ها، قوانین، و مقررات دولت اسلامی باید حاکمیت ارزش های اسلامی و ارتقای بینش توحیدی باشد. بر این اساس،

ص: ۱۰۱

جمهوری اسلامی ایران بر تثبیت ارزش های اسلامی - انقلابی و پاسداری از دستاوردهای نظام بر محور ولایت فقیه تأکید دارد.

۲- افزودن کارآمدی

ناکارآمدی نظام سیاسی، حاکمیت را در چشم همگان ناتوان جلوه می دهد، مقبولیت آن را خدشه دار می کند و پیامدهای ناگواری دارد. نظام جمهوری اسلامی ایران برای برآوردن نیازهای مادی و معنوی جامعه و رسیدن به هدف های والای خود، با تقویت انسجام ملی، هماهنگ سازی قوای سه گانه بر مدار ولایت فقیه، و عنایت به امکانات و وضعیت درون و بیرون کشور، برای افزودن کارآمدی نظام می کوشد.

۳- شایسته سالاری و کارگزاری صالحان

کارگزاری صالحان و شایستگان، گامی در مسیر استمرار حرکت پیامبران است. کارگزاران حکومت اسلامی باید از ویژگی هایی همچون دانش هماهنگ با حوزه مسئولیت، عدالت ورزی، تقوا، توانایی، تدبیرگری و کفایت سیاسی برخوردار باشند. نظام اسلامی برای واگذاری مسئولیت ها در سطوح مختلف، بر این شایستگی ها تأکید دارد.

۴- مشارکت پویا و بیشینه مردم

تداوم مشارکت پویای مردم در عرصه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی از وظایف دولت اسلامی است. در برآمدن این هدف، راهکارهایی همچون امر به معروف و نهی از منکر، نصیحت به رهبران جامعه اسلامی، بیعت، و شورا نقشی بسزا دارند. نظام اسلامی با گسترش و فعال سازی شبکه نظارت عمومی، به تأمین مصالح جامعه اهتمام می ورزد.

ص: ۱۰۲

۵- تقویت نظام شورایی با حفظ اقتدار سیاسی

در اندیشه سیاسی اسلام، مشورت در عرصه تصمیم سازی جایگاهی بلند دارد. جمهوری اسلامی ایران برای تشخیص ریزبینانه مصالح جامعه و حفظ توانمندی نظام، از رهگذر سازوکارهای حقوقی و ساختارها و قوانین مناسب، به نهادینه سازی شورا و کارآمدی آن می پردازد.

۶- تقویت کارآیی جریان های سیاسی

سلامت فضای سیاسی کشور، بسته به آن است که جریان ها، احزاب، و گروه های سیاسی در مسیر پایبندی به ارزش های اسلامی - انقلابی، دفاع از منافع ملی، دشمن ستیزی، قانون پذیری، و اخلاق مداری، گام بردارند. جمهوری اسلامی ایران با سامان دهی تشکل های پایبند به قانون اساسی و مصالح جامعه اسلامی، به افزایش کارآمدی آنها اهتمام می ورزد.

۷- ارتقای بصیرت سیاسی

هرگونه فعالیت سالم سیاسی نیازمند شناخت و بصیرت است. جمهوری اسلامی ایران بر ارتقای بصیرت سیاسی همگان، به ویژه نخبگان و خواص، تاکید دارد. برای رسیدن به این مهم، مجموعه رسانه های جمعی و نهادها و سازمان های اثرگذار در بالندگی بصیرت جامعه، وظیفه دارند در تبیین و تحلیل شفاف مسائل سیاسی - اجتماعی بکوشند.

۸- تحکیم وحدت مسلمانان

برپایی امت واحد اسلامی و گسترش روابط دوستانه و برادرانه میان مسلمانان، از آموزه های اساسی اسلام است. برای برآمدن این هدف،

جمهوری اسلامی ایران در مسیر پیوند ژرف با جهان اسلام و ایجاد انسجام و همبستگی میان ملت های مسلمان با همه توان می کوشد.

۹- تبلیغ آموزه های اسلامی در گستره جهان

اسلام، دینی جامع و جهانی است و برای زدودن زنگارهای جهل از ساحت حیات بشری و حاکمیت ارزش های والای انسانی و الهی، آموزه های جهانی دارد. جمهوری اسلامی در مسیر تحقق این هدف می کوشد تا با «تبلیغ» و «دعوت» دینی و نشان دادن چهره زیبای اسلام به جهانیان، در راه برپایی جامعه جهانی توحیدی گام بردارد. افزون بر این، رویارویی با اسلام ستیزی، نمایاندن چهره روشن انقلاب اسلامی، تبیین دستاوردها و تجارب سیاسی و فرهنگی و اقتصادی نظام اسلامی، و معرفی الگوی مردم سالاری دینی به کشورهای منطقه و جهان، از رسالت های جمهوری اسلامی ایران است.

۱۰- اتخاذ دیپلماسی فعال

نظام اسلامی می کوشد تا با نظام ظالمانه و سلطه گر بستیزد و از کرامت و حقوق انسانی دفاع کند و ارزش ها و ساختارهای ستمگرانه و سکولار حاکم بر روابط بینالملل را به هم ریزد. براین اساس، جمهوری اسلامی ایران تلاش می کند با همگامی دیگر کشورها، نهادها و تشکلهای عدل محور را در منطقه و جهان ایجاد یا تقویت نماید. نیز با استفاده از توان خود، برای تنظیم، تداوم و گسترش روابط صلح آمیز با دولت های غیرمحارب می کوشد حضوری مقتدرانه، پویا و هدفمند در سازمان های بین المللی و منطقه ای داشته باشد و با همگامی ملت ها و دولت های

مستضعف، جبهه ضدسلطه را تقویت کند تا نظام عادلانه جهانی را بر پایه مصالح همه ملت‌ها پی ریزی نماید.

۱۱- حمایت از حرکت‌ها و جنبش‌های حق‌طلبانه

در اسلام، حکومت ابزاری برای ستم‌ستیزی و عدل‌گستری در گستره‌ای جهانی است. دولت اسلامی نه تنها نزد مردم خود مسئول است، بلکه وظیفه دارد از همه مستضعفان جهان حمایت کند. از این رو، جنبش‌های اصیل و مردمی که برای زدودن استضعاف ملت‌ها می‌کوشند، از حمایت جمهوری اسلامی برخوردارند.

۱۲- ارتقای توان دفاعی - امنیتی

براساس آموزه‌های دینی و برای پاسداری از ارزش‌های والای انسانی و الهی، جمهوری اسلامی باید بر امنیت و اقتدار خود روز به روز بیافزاید. در این مسیر، به این راهکارها عنایت جدی می‌شود: توسعه تحقیقات، بهره‌مندی از ظرفیت‌های صنعتی، دستیابی به دانش و فناوری‌های پیشرفته دفاعی، استقلال در تولید تسلیحات، رشد توان بازدارندگی نیروهای مسلح، حفظ ابتکار عمل و مقابله مؤثر در برابر تهدیدها، و پاسداری از منافع ملی و منابع حیاتی کشور.

۱۳- گسترش نظم و امنیت عمومی

دولت اسلامی همه‌توان خود را برای تأمین و گسترش نظم و امنیت عمومی به کار می‌گیرد و برای تحقق امنیت پایدار و فراگیر و پیش‌برنده اهداف و منافع ملی، بر کارآیی نهادهای رسمی خود در این قلمرو می‌افزاید.

مشارکت همگانی، رشد باورهای دینی، و بالندگی همه جانبه بسیج مستضعفان، زمینه رویارویی با گسست هویتی، اجتماعی، فرهنگی، و اعتقادی را پدیدار می سازد و به همدلی و همبستگی ملی و گسترش نظم و امنیت عمومی یاری می رساند.

اشاره

با پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی ایران، الگویی نو از مدیریت به جهان عرضه شد. این الگو، خود، برگرفته از کتاب و سنت و عقلانیت دینی است که با محوریت اندیشه و رفتار امام خمینی - قدس سره الشریف - سامان یافت. این نظام می تواند رهنمونی بی مانند در اداره الهی جامعه، پیش چشم خردورزان و مدیرانی باشد که در قلمرو مدیریت، جستجوگر اهداف و ارزش های الهی و انسانی هستند.

هدف

هدف نظام مدیریت جمهوری اسلامی از این قرار است: پیوند و همبستگی تحول گرا، پویا، و تعالی بخش میان ساحت ها و حوزه های مختلف نظام و اداره آنها در عین کارآمدی، اثربخشی، صحت پذیری، و بیدادستیزی، برای دستیابی به حیات طیبه و سعادت جاودان.

ص: ۱۰۷

۱- رهبری رحمانی، مدیریت ولایی و هدایت گر جامعه اسلامی

آن چه پیوستگی حرکت جامعه را در راه دستیابی به اهداف والایی الهی و زمینه سازی برای ظهور مصلح جهانی فراهم می کند، ولی فقیه است. رهبر نظام اسلامی، به پشتوانه علم و آگاهی، فهم عمیق دینی، تجارب سودمند بشری و دیدگاه های مشاوران صاحب نظر، با سیاست گذاری و نظارت عالمانه، هوشمندانه، و جامع نگر، مجموعه نظام را هدایت می کند. هموست که پیوستگی قوا را تنظیم می نماید و جریان رشد و تعالی کشور را پیش می برد. او برای دفاع از حریم اسلام و امت اسلامی و در مسیر برپایی امت واحد، به هدایت و حمایت دولت ها و ملت های مسلمان می پردازد و خیرخواهانه برای هدایت همه انسان ها می کوشد. این جایگاه در ساختار نظام جمهوری اسلامی، ضمانت گر پویایی، ثبات و بالندگی نظام است.

۲- آینده پردازی برای دستیابی به جامعه مهدوی

طراحی برنامه و راهبردهای نظام اسلامی، آینده نگرانه و بر پایه معارف الهی و عقلانیت اسلامی صورت می پذیرد تا با شناخت و پیش بینی تحولات و تغییرات محیطی، چشم انداز حرکت نظام را برای برپایی جامعه زمینه ساز ظهور، ترسیم نماید.

۳- هدایت گری و توانمندسازی

در نظام اسلامی، مدیران و کارگزاران باید با بینش ژرف پای در راه نهند و به رشد فکری و تعالی روحی کارکنان نهادهای خود اهتمام

ورزند. از این رو، ساختارها و برنامه ها باید چنان سامان یابد که همراه با تقسیم کار مناسب و افزایش بهره وری، توانایی های کارکنان نیز ارتقا یابد.

۴- مدیریت دانش بنیان و بهره وری از تجارب بشری

در نظام اسلامی، مدیریت بر پایه اصول مدیریت دانش صورت می پذیرد و با عنایت به ارزش تجربه و دانش، زمینه بهره مندی از تجارب و ظرفیت های تمدن بشری در چارچوب اخلاق و مصالح نظام اسلامی، فراهم می شود.

۵- تکیه بر توانایی های داخلی با توکل بر خداوند و اعتماد به نفس

مدیران و کارگزاران نظام اسلامی با تکیه بر توانایی های خویش و ظرفیت های ملی، می توانند کشور را در برآوردن نیازهای خود یاری رسانند و با طرح ها و برنامه های نوآورانه و تکیه بر دانش بومی، راه های تازه تر و هموارتری را بیازمایند. در این مسیر، آنان همواره لطف و رحمت خدا را پشتیبان خویش می شمردند و خود را نیازمند عنایت و امداد او می دانند.

۶- پاسداری از کرامت و عزت جامعه و کارگزاران

عزت جامعه اسلامی، به ویژه کارکنان و کارگزارانش، وجهه همت نظام اسلامی است. نظام می کوشد با پروراندن فضیلت های اخلاقی و ایمانی، کرامت آنان را پاس دارد و زمینه تباهی و فساد را از میان ببرد.

۷- مهرورزی، آسان گیری، و خدمت بی منت به مردم

دولت اسلامی راه تعالی جامعه را هموار می کند؛ بیش از توان مردم

از آنان انتظار ندارد؛ و بر پایه مهرورزی و تفاهم و همدلی همگان، جامعه اسلامی را مدیریت می کند. مردم امکان می یابند که خواست ها و نیازهای خود را با کارگزاران در میان نهند. کارگزاران نیز خود در میان مردم حضور دارند و با جامع نگری در حوزه نیازهای کلان و خرد آنان، به برآوردن نیازهاشان همت می گمارند. مدیران نظام برای خدمت، منتی بر مردم روا نمی دارند و با پاسخگویی کریمانه، قانون مداری، و پرهیز از سلیقه های شخصی، اعتماد مردم را روزافزون می سازند.

۸- پاسخگویی و شفافیت

نظام اسلامی خود را در برابر خداوند و مردم مسئول می داند. مدیران و کارگزاران امین مردم هستند؛ اما به نظارت آنان نیز نیازمندند تا همواره از اعتمادشان برخوردار باشند. از این رو، شفافیت در گزارش دهی و پاسخ گویی، سرلوحه رفتار دولت و کارگزاران است.

۹- شایسته سالاری

سرمایه اصلی مدیریت اسلامی، انسان های شایسته ای هستند که با ایمان و تعهد و شناخت و بصیرت ژرف، هدف را می نگرند و راه و موقعیت را می شناسند و حالت ها و روحیات شخصی خود را هوشمندانه مراقب هستند و از سه عنصر دانش، تخصص، و تجربه بهره می گیرند. رهاورد این گونه مدیریت، اخلاق ستوده، رفتار زاهدانه، امانت داری، پیشینه درخشان، و مردم داری است. مدیران و کارگزاران نظام در همه سطوح با همین معیارها برگزیده می شوند و رشد می یابند و پیوسته نظارت و ارزیابی می شوند.

این شایستگان بر پایه دانش، دوراندیشی، والاهمتی، و بهره‌گیری از مشورت خردمندان رفتار می‌کنند و از شتاب می‌پرهیزند و استوار و مصمم گام برمی‌دارند و در هر گام خود، تنها رضایت حق را پی می‌جویند.

۱۰- زمینه سازی برای مشارکت آگاهانه مردم

همه مردم به فراخور حال و توان، برای دستیابی به اهداف جامعه اسلامی، باید مسئولانه همت گمارند؛ اما نخبگان مسئولیتی دوچندان دارند. نهادهای دولتی زمینه مشارکت آگاهانه و پویای مردم را در اداره کشور فراهم می‌کنند.

۱۱- ترجیح مصالح و خشنودی همگانی و اهتمام به محرومان

مدیران نظام اسلامی، برآورنده رضایت توده مردم و مصالح همگانی هستند و به طبقات محروم عنایت ویژه می‌ورزند و هرگز در پی تأمین منافع افراد و گروه‌های خاص نیستند.

۱۲- نظارت و ارزیابی اصلاح گرانه

با هدف بالندگی و تعالی مدیران و کارکنان در سه قلمروی اندیشه، انگیزه، و رفتار، باید بر کار آنان نظارت کرد و به فراخور حال، از روش‌هایی همچون نصیحت و ارشاد، تغافل و مدارا، اعتدال و انصاف، و قهرورزی و سخت‌گیری بهره برد. در این میان، پیشگیری از تخلف، بر هر کار دیگر ترجیح دارد و آن‌گاه نوبت به برخورد قاطع با تخلف‌پیشگان می‌رسد. مسئولیت اصلی نظارت و ارزیابی، بر عهده ارزیابی‌شوندگان؛ و نظارت همگانی سرلوحه رفتار جامعه اسلامی است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

